

نکاتی مربوط به مطالعه دیانت بهائی

منتخباتی از نامه‌های صادره از طرف بیت العدل اعظم

(برگردان از متن انگلیسی به فارسی: هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)
این مجموعه بار اول به صورت ضمیمه مجله "بهائی کانادا" در مه سال ۱۹۹۸ انتشار یافت

نکاتی مربوط به مطالعه دیانت بهائی

منتخباتی از نامه‌های صادره از طرف بیت العدل اعظم

فهرست مندرجات

۳	۱۰ دسامبر ۱۹۹۲
۷	۵ اکتبر ۱۹۹۳
۱۰	۵ اکتبر ۱۹۹۳
۱۱	۱۹ اکتبر ۱۹۹۳
۱۵	۱۹ مه ۱۹۹۵
۱۷	۱۴ مارس ۱۹۹۶
۲۰	۲ ژوئیه ۱۹۹۶
۲۵	۳ ژوئن ۱۹۹۷
۲۸	۲۰ ژوئیه ۱۹۹۷
۳۲	۸ فوریه ۱۹۹۸

ترجمه‌ای از

قسمت‌هایی از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم

خطاب به یکی از احباباً

(هیئت بین‌المللی ترجمه به زبان فارسی)

۱۰ دسامبر ۱۹۹۲

بیت العدل اعظم آگاهند که برخی پژوهشگران بهائی از جمله خود شما، با سیاست‌گذاری بازنگری تألیفات مشکلاتی دارند. اما معهد اعلیٰ علّت این مشکلات را مواردی متفاوت از آنچه شما ذکر نموده‌اید تشخیص داده نکات زیر را ریشه‌های اصلی این مشکل می‌دانند:

۱. درک کم و بسیار محدود بعضی از پژوهشگران بهائی از امر مبارک و تعالیم آن. یک گرایش چنین بوده است که تخصص در زمینه‌های محدود مخصوصی اخذ شود و فهم وسیع تر آثار نادیده گرفته شود در حالی که درک تعالیم نه تنها روح آنان را غنی خواهد ساخت بلکه موجب تنویر بینش‌شان در رشته‌های خاص مورد مطالعه‌شان نیز خواهد شد.

۲. داشتن نگرشی نسبت به امر مبارک و نظم اداری که قویاً متأثر از این پیش فرض است که آیین حضرت بهاءالله همانند سایر ادیان و سازمان‌ها می‌باشد، مبتلا به گرایش‌هایی است که در اغلب موارد از خصوصیات آن ادیان و سازمان‌ها است، و انگیزه‌هایش ملاحظات غیر اخلاقی را در بر دارد. مؤسّسات امری با همان بدگمانی نگریسته می‌شوند که به "سازمان‌های سنتی نگریسته می‌شود. چنین طرز فکری موجب عدم توانایی درک، تا چه رسد به قبول، نکاتی می‌گردد که بیت العدل اعظم سعی در ارائه آن دارند.

۳. پیش فرضی مبتنی بر اینکه فقط یک فرد مجهّز به تعلیمات متداول دانشگاهی قادر است نگرشی بی‌طرفانه و درک درستی از نکات مورد نظر داشته باشد، پیش فرضی که به ناچیز شمردن سؤالات مطرح شده توسط افراد "فاقد شرایط لازم" می‌انجامد.

۴. تصور در استفاده از فرایندهای استیناف در آیین بهائی از طرف پژوهشگرانی که معتقدند زیر سؤال بردن نوشتجات‌شان توسط هیئت‌های بازنگری تألیفات بهائی کاری غیر صحیح و ناموجّه می‌باشد. طبیعی است که در مرحله کنونی توسعه امرالله، اعضای این هیئت‌ها گه‌گاه دچار اشتباهاتی در نظرات خود می‌شوند و یا به حدّ نامعقولی از درک مطالب باز می‌مانند. چنین اشتباهات و نقطه‌نظرهایی لازم است از طریق گفتگو بین مؤلف

و اعضای هیئت بازنگری برطرف گردد. اگر نتیجه این گفتگوها رضایت بخش نباشد مؤلف می تواند به محفل روحانی ملی استیناف دهد و اگر آن هم مشکل را حل نکند می تواند استیناف خود را به بیت العدل اعظم تقدیم نماید.

۵. گرایش های فوق به نوبه خود سبب می شود که پژوهشگران نتوانند فرایند بازنگری را برای همکاران غیر بهائی خود به نحوی توجیه نمایند که در یک محیط دانشگاهی قابل قبول باشد.

پیشنهاد شما مبنی بر اینکه یک روش "اجازه چاپ" به مانند آنچه در کلیسای کاتولیک اعمال می شود ارجح از سیستم فعلی بازنگری خواهد بود، به لحاظ بیت العدل اعظم رسید. مقرر فرمودند مشکلاتی که این روش به همراه خواهد داشت را برای شما توضیح دهیم.

اول از همه این تصور نادرست را در خواننده ایجاد خواهد کرد که گرایش بهائی همانند گرایش کلیسای کاتولیک است و موجب تداعی این تخیل خواهد شد که در دیانت بهائی هم یک "فهرست" نوشتجات ممنوعه و کلیه مسائل وابسته دیگر که شما بدون شک می توانید تصور کنید وجود دارد.

دوم اینکه این مفهوم نادرست را تقویت خواهد کرد که دو نوع مطبوعات بهائی وجود دارد: کتاب هایی که حاوی نظرات "رسمی" است و تألیفاتی که بیانگر عقاید آزاد شخصی افراد بهائی می باشد و بدین ترتیب موجب پنهان شدن تفاوت اساسی ای می شود که از دیدگاه آیین بهائی بین آثار مختلف وجود دارد: آثار حضرت اعلی، حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء، توقیعات حضرت ولی امر الله و تصمیمات بیت العدل اعظم، همگی با مرجعیت، از یک طرف و سایر تألیفات بهائی از طرف دیگر که اگرچه به نوبه خود معقولند ولی به هیچ وجه مرجعیتی ندارند. عبور کتابی از مرحله بازنگری دلیل صحیح بودن مندرجات آن نیست بلکه تنها ضمانتی است برای محفل ملی مربوطه که آن کتاب به نظر آن محفل، دیانت بهائی و یا احکامش را به نحو جدی مخدوش نمی نماید.

سوم آنکه این حقیقت مهم را پنهان خواهد ساخت که فرایند بازنگری در آیین بهائی یک امر موقتی و منحصر به مرحله کنونی توسعه امر الله است، مرحله ای که اگر کتب منتشره توسط بهائیان نیز پیام الهی را به طور جدی مخدوش نمایند می تواند سبب گمراهی شدید مردم گردد.

پیشنهاد نموده اید که یک محفل روحانی ملی بعد از ملاحظه اشتباهات عمده در مقاله منتشر شده توسط فردی بهائی در یک نشریه علمی می تواند از دارالتحقیق بخواهد که "برای نشریه مورد نظر نامه ای نگاشته آن نادرستی ها را با ذکر شواهد لازم از نصوص در پاورقی بیان کند، و اینکه ویراستاران آن نشریه تمایل زیادی به دریافت چنین نامه هایی خواهند داشت و پژوهشگران بهائی از داشتن چنین موقعیتی برای بحث آزاد در این گونه

موارد استقبال خواهند نمود.^۱ این پیشنهاد آغازگر نوع جدیدی تبعیض و دخالت می باشد. مؤسّسات بهائی به ندرت با نشریات مختلف برای تصحیح نوشته های آنها در باره امر الهی مکاتبه می کنند زیرا نه تنها مایل نیستند به ترویج مباحثه علنی با نویسندگانی بپردازند که در مورد امر مبارک مطالبی می نویسند بلکه تصحیح چنین اشتباهاتی به ندرت به صرف وقت و کوشش آن می ارزد. طیّ سال های آینده تعداد زیادی از غیر بهائیان، از دشمنان سرسخت گرفته تا طرفداران پرشور امر الله، مقالاتی در مورد آیین بهائی منتشر خواهند نمود. راهی برای مؤسّسات بهائی به هیچ وجه موجود نیست که بتوانند اشتباهات بی شمار منتشر شده را کتباً تصحیح نمایند. پس چگونه می توان تصحیح کتبی اشتباهات فقط نویسندگان بهائی را توجیه نمود؟

بیت العدل اعظم توصیه می نمایند که شما گام های زیر را به عنوان راهی مورد بررسی قرار دهید که از طریق آن پژوهشگران بهائی می توانند مشکلاتی را رفع نمایند که برخی از افراد علّت آن را بازنگری تألیفات شان تصوّر می کنند:

- پذیرش بدون قید و شرط اینکه برقرار کردن یک سیستم موقت بازنگری توسط حضرت عبدالبهاء اقدامی صحیح بوده است و تصمیمات حضرت ولی امر الله و بیت العدل اعظم مبنی بر اینکه این سیستم را هنوز ملغی ننموده اند مطابق با اراده الهی می باشد.
- تشخیص و قبول تفاوتی اساسی میان اشتباهات پخش شده توسط بهائیان و اشتباهات سرچشمه گرفته از منابع غیر بهائی. سیستم بازنگری برای جلوگیری از اشتباهات و یا حملات علیه آیین بهائی نیست بلکه کوششی است برای ممانعت از انتشار این اشتباهات توسط بهائیان در نوشتجات خود.
- سعی و کوشش در راه درک حکمت و ماهیت واقعی این سیاست گذاری و تلاش در راه ارائه آن با مفهوم صحیحش به همکاران دانشگاهی خود.
- شایسته است که پژوهشگران بهائی به دوستان بهائی خود به دیده اعتماد و محبت بنگرند نه با تحقیر نسبت به مدارک تحصیلی و نه با بدگمانی نسبت به انگیزه های شان. شایسته است که پژوهشگران بهائی هم کیشان خود را بهائیان صادقی ببینند که سعی در انجام خدمتی دارند که سیاست گذاری های آیین بهائی از ایشان خواسته است و با مسئولین بازنگری در باره نکاتی که مطرح می کنند بدون درنگ و آزادانه گفتگو نمایند. اگر به نظر می رسد که محفل ملی اجازه چنین مباحثات آزادی را نمی دهد برای روشن نمودن موضوع به بیت العدل اعظم استیناف نمایند. معهد اعلی کاملاً آگاه هستند که در برخی موارد فرایند بازنگری مشکلاتی داشته و

^۱ ترجمه قسمتی از نامه دریافت شده

کارآیی لازم را ندارد. این گونه نواقص وقتی برطرف خواهد شد که پژوهشگران با این فرایند همکاری کنند و به جای ترویج جوئی از خصومت و بدگمانی متقابل، آزادانه کارآیی آن را مورد سؤال قرار دهند.

- اگر مسئله بازنگری از طرف محققین غیر بهائی مطرح شود، از دانشگاهیان بهائی انتظار می رود که توضیح دهند که در این مرحله آغازین توسعه دیانت بهائی، بازنگری بهائی، وجه مشابهی از بازنگری همتایان است و محققین بهائی از آن استقبال می کنند زیرا که در این مقطع از زمان تنها در میان بهائیان می توان افرادی را با درکی به حد کافی گسترده و عمیق از دیانت بهائی و تعالیم آن یافت تا بتوانند نظرات مهمی را که می خواهند قبل از انتشار تألیفات خود در نظر گیرند ارائه دهند. برای بیان صادقانه این مطالب البته پژوهشگران باید قادر به پذیرش دیگر گام های فوق الذکر بوده باشند.

موقعیت احباً در دیگر زمینه های تخصصی مانند پزشکان بهائی را ذکر کرده اید که به گفته شما "می توانند شغل خود را به عنوان یک بهائی و بدون دخالت مؤسسات بهائی دنبال کنند."^۲ موضوع چنین نیست. کلیه بهائیان موظف به رعایت قوانین و موازین بهائی هستند. طرفداری از سقط جنین به عنوان روشی برای تنظیم خانواده و تأسیس کلینیک به این منظور توسط یک پزشک بهائی واضحاً قابل قبول نخواهد بود و یا یک روان پزشک بهائی نمی تواند علناً مدافع روابط جنسی قبل از ازدواج باشد.

حضرت بهاء الله کل را مخاطب قرار داده می فرمایند، "لو یجد احد حلاوة البیان الذی ظهر من فم مشیة الرحمن لینفق ما عنده ولو یكون خزائن الأرض کلها لیثبت امرأ من اوامرہ المشرقة من افق العنایة والألطاف" و نیز می فرمایند، "انّ الذی وجد عرف الرحمن وعرف مطلع هذا البیان انه یستقبل بعینہ السّهام لاثبات الأحکام بین الأنام."

در خاتمه، بیت العدل اعظم مقرر فرمودند متذکر شویم که معهد اعلی با این گفته شما کاملاً موافقت که جلب متفکرین، و برآستی جلب همه افراد با کفایت در هر زمینه ای، به دیانت بهائی حائز اهمیت بسیار است. بهائینی که خود از متفکرین هستند می توانند تأثیرگذار بارزی در این فرایند باشند اما نه از طریق نادیده گرفتن موازین اساسی ایمان و سلوک که بر همه احباً فرض گردیده و نه از طریق جلوه گر ساختن نظم اداری به عنوان مقرراتی که مانع آزادی اندیشه و بیان است.

^۲ ترجمه قسمتی از نامه دریافت شده

۵ اکتبر ۱۹۹۳

در خصوص سیاست‌گذاری رایج برای بازبینی تألیفات قبل از انتشار، همه بهائیان از هر شغل و حرفه‌ای این وظیفه خطیر را بر عهده دارند که در مقتضیات تلاش همگانی مان با هدف نیل به مقصد حضرت بهاء‌الله برای عالم انسانی تأمل نمایند، از جمله مساعی برای استفاده از منابع عقلانی خود جهت نیل به درک عمیق‌ترین ظهور و تلاش برای به کار بردن اصول آن. جامعه بهائی برای پی‌گیری این مسیری که مؤسس ظهور الهی بدین منظور صریحاً و مؤکداً مقرر فرموده از طریق مؤسساتی عمل می‌نماید که آن حضرت تأسیس فرموده‌اند.

مجهودات پژوهشی یک فعالیت جدا از این فرایند ارگانیک نیست و معیارهای جداگانه و اختیار عمل خارج از آن را ندارد. بیت العدل اعظم معتقدند که بخشی از مشکلاتی که برخی از پژوهشگران بهائی درباره مسئله بازبینی قبل از انتشار دارند می‌تواند از این نکته سرچشمه گیرد که این قبیل دوستان خود را در فعالیت‌های پژوهشگرانه‌شان مشارکت‌کننده تمام عیار در این فرایند نمی‌بینند که بتوانند آزادانه و با همان استقلال روحانی که در سایر امور زندگی دارند عمل نمایند. آنچه جامعه بهائی به آن اشتغال دارد همانا ارائه خلقی جدید در عالم شهود است و به این منظور امر مبارک نیازی شدید به مساعدت بی قید و شرط و یاری صمیمانه دانش‌پژوهان خود دارد. بیت العدل اعظم سعی در یادآوری این نکته نموده‌اند که به مانند همه زمینه‌های دیگر مجهودات بهائی، انجام این مساعدت تحت شرایط خاصی صورت پذیرد، شرایطی که در ماهیت این فرایند نهفته است و در آثار الهی تصریح گردیده است.

این گونه الزامات البته در معیارهای رایج مؤسسات دانشگاهی غرب منعکس نمی‌شود بلکه از مؤسسات بهائی و دانش‌پژوهان بهائی هر دو دعوت می‌شود که با تمام قلب، خرد، و اراده خویش حد اکثر کوشش را مبذول دارند تا الگوهای جدیدی برای فعالیت و راهنمایی برای دانش‌پژوهی که مقتضای امر حضرت بهاء‌الله است ایجاد نمایند. بیت العدل اعظم معتقدند که اگر شما افکار خود را به این هدف معطوف نمایید به بهترین وجه به منافع امر الله خدمت خواهید نمود. فقط تأکید بر روش‌ها و الزامات سیستم‌های موجود چه علمی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی که به وضوح تا کنون هیچ گونه پاسخ قانع‌کننده‌ای برای نابسامانی‌های جامعه انسانی ارائه نداده و یا آماده قبول پیامدهای ناشی از ناکارآمدی خود نیست، عملاً کمکی مفید در این راستا نمی‌باشد.

وقتی ما به سادگی تسلیم آن مقررات دانشگاهی ای شویم که برای اثبات ادعای عینیت‌گرایی خود، به فرضیاتی متوسل شده است که به طور فزاینده‌ای توسط متفکرین برجسته زیر سؤال برده می‌شود، هم به خود و هم به دیانت بهائی صدمه‌ای شدید وارد می‌آوریم. در حالی که دانشگاهیان غیر بهائی ممکن است مؤسساتی را که حضرت بهاء‌الله تأسیس فرموده‌اند با بی‌توجهی و تنها به عنوان یکی دیگر از "مؤسسات مذهبی" پنداشته، از تحقیقی جدی در مورد حقایق این ظهور الهی سر باز زنند ولی برای فرد بهائی طبعاً غیر ممکن است که به دنبال آنان در این مسیر تهی قدم نهد.

بیت العدل اعظم آگاهند که استمرار سیاست‌گذاری بازبینی تألیفات می‌تواند در نظر برخی دانشگاهیان غیر بهائی خدشه‌ای بر نام نیک دیانت بهائی وارد آورد. در شرایطی که نشر تألیفات از اهمیت خاصی برای پیشرفت و شناسایی امر مبارک برخوردار است، هر نوع الزاماتی که مانع این فعالیت شود و یا آن را به تأخیر اندازد باید موجب بسی نگرانی باشد نه تنها برای شخص دانش‌پژوه بلکه برای مؤسسات جامعه‌ای که مشتاق پیشرفت او و چشم‌براه مساعدت‌های مؤثر او است. اما آیا این دقیقاً همان تنگنای روحانی‌ای نیست که بسیاری از احبباً در کوشش برای خدمت به اهداف امر حضرت بهاء‌الله با آن مواجه‌اند؟ در بسیاری از مواقع، به خصوص در اقالیم در حال توسعه، احببای باقابلیت باید از فرصت مشاغل مهم سیاسی چشم می‌پوشیدند زیرا چنین گزینه‌ای با تعالیم و مقصد حضرت بهاء‌الله هماهنگ نبود، مشاغلی که ارزش آن را به استناد خدمت به عموم می‌توانستند به آسانی موجه پندارند. همچنین بسیاری مؤمنینی که هم حیات حرفه‌ای و هم علائق موجه خانوادگی خود را کنار گذاشتند تا بتوانند به مناطق نامساعد جهان مهاجرت کنند.

بحران تمدن کنونی در بسیاری از نقاط دنیا واضحاً متفکرین را به جستجوی روش‌های پژوهشی جدیدی واداشته است، روش‌هایی که بتواند با پدیده‌های روحانی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی که تا به حال با آن روبه رو نشده بودند سازگاری نشان دهد. هیچ بخشی از جامعه بشری همانند جامعه بهائی برای پیشروی در این کوشش‌ها مجهز نیست. در مقام اجتماع کسانی که به کمک امر حضرت بهاء‌الله مستمراً در حال رهایی یافتن از به اصطلاح "قوة جاذبه" فرهنگ‌هایی هستند که در آن عادات فکری‌شان شکل گرفته، جامعه بهائی رویکردی یکتا برای کشف واقعیت دارد. این رویکرد به عنوان وسیله‌ای بیش از پیش مؤثر برای تقلیب اجتماعی باید به دقت و شدت تمام پرورش یابد. فراهم نمودن یک الگوی جدید دانش‌پژوهی که این موقعیت خواهان آن است فرصت گرانبهایی را برای خدمت و موفقیت به آن دسته از بهائیبانی اعطا می‌نماید که بهره‌مند از مواهب دوگانه‌ای هستند، هم نعمت ایمان روحانی و هم استعداد عقلانی تعلیم‌دیده در بهترین دست‌آوردهایی که اجتماع معاصر می‌تواند عرضه نماید.

بیت العدل اعظم تنها می‌توانند از پژوهشگران بهائی دعوت نمایند، همانطور که از دیگر احبباً نیز دعوت می‌کنند تا به این وظیفه خطیر تاریخی به هر طریق و به هر اندازه که هر یک شخصاً آن را ممکن می‌دانند، پاسخ دهند. معهد اعلی مطمئن هستند که همانند همه دیگر میادین خدمات بهائی، در زمینه دانش‌پژوهی بهائی نیز

منابع ضروری به تدریج آماده خواهد شد و الگوهای مورد نیاز تحقیق و مطالعه در اثر فرایند مشورت بهبود خواهد یافت. معهد اعلی معتقدند که چنین موفقیتی در درازمدت آوازه امر مبارک را در مقابل هر نوع سوء تفاهمات و انتقادات احتمالی فعلی به خوبی محافظه خواهد نمود. عکس العمل مثبتی که تا به حال دانش پژوهان بهائی در بسیاری از حوزه‌ها ارائه داده‌اند براستی باعث دل‌گرمی عمیق بیت العدل اعظم می‌باشد.

۵ اکتبر ۱۹۹۳

مطمئن باشید که بیت العدل اعظم نیاز پژوهشگران بهائی برای دسترسی روزافزون به منابع مهم موجود در آرشیو مانند متون اصلی اسناد تاریخی چون "مطالع الانوار" را مورد نظر دارند. فی الحقیقه تصور آن مشکل است که چطور این خادمان امرالله که در اشاعه امر الهی و دفاع از مصالح آن نقشی حیاتی به عهده دارند بدون چنین منابعی بتوانند به اجرای وظایف خود نائل گردند. اهمیت جوی عموماً آزاد در باره آثار مقدسه بهائی و منابع تاریخی اش برای پیشبرد مصالح امری برای معهد اعلی روشن و تأکید بر آن لزومی ندارد.

برای پاسخ مقتضی به این نیاز، مرکز جهانی بهائی در حال حاضر با کمبود منابع انسانی و مکان و تسهیلات تحقیقی لازم رو به رو است. همه ما مشتاقانه در انتظار روزی هستیم که بنای دایره مطالعه نصوص و الواح که جزو ابنیه قوس طرح‌ریزی شده و در دست ساختمان است بتواند تسهیلات آرشیوی و تحقیقی که مورد نیاز فوری امر مبارک است را فراهم آورد. اگر شما از این منظر به پرسش‌های واصله راجع به دسترسی به منابع اصلی بهائی بنگرید، خواهید توانست شباهت توصیف شده‌ای را که با آن مواجه‌اید تا حد زیادی رفع نمایید.

پیشنهاد مطرح شده از سوی برخی دوستان مبنی بر اینکه بهترین راه در شرایط فعلی گشودن آرشیو مرکز جهانی بر روی پژوهشگران بهائی واجد شرایط می‌باشد واقع بینانه نیست. اگر توان و توجه اداره آرشیو، کتابخانه و دایره مطالعه نصوص و الواح به استقبال از محققین متعددی که استفاده از این تسهیلات را حق خود می‌دانند معطوف گردد، به کارهای ضروری این دوایر که حمایت از وظایف حیاتی بیت العدل اعظم از جمله حفاظت، رده‌بندی، ترجمه، تعلیق و انتشار آثار است به درجه‌ای لطمه خواهد خورد که در این مرحله از توسعه امرالله غیر قابل قبول است. همان‌گونه که غالباً در بسیاری از زمینه‌های تحقیق معمول است، پژوهشگرانی که علاقمند به تحقیق در مورد دیانت بهائی می‌باشند باید تا حدی صبر و حوصله از خود نشان دهند.

۱۹ اکتبر ۱۹۹۳

بیت العدل اعظم توصیه می‌فرمایند که بهترین راه برای بررسی مسائل مذکور در نامه شما ممکن است با توجه به نصوص مبارکه بهائی در باره ارتباط بین ظهور حضرت بهاء‌الله و دانش حاصله از مجهودات دانش‌پژوهانه باشد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

این ... مظلوم در جمیع ایام من غیر ستر و حجاب امام وجوه اهل عالم نطق فرمود آنچه را که مفتاح است از برای ابواب علوم و فنون و دانش و آسایش و ثروت و غنا.

بدیهی است که آثار بهائی تمامی عرصه‌های مجهودات بشری و مطالعات علمی را منور می‌سازد. کسانی که به موهبت شناسایی مقام حضرت بهاء‌الله فائز شده‌اند سعادت دسترسی به آثار و تعالیمی را دارند که بر همه جوانب فکری و پژوهشی پرتو می‌افکند و موظفند درکی را که در اثر غور در آثار مقدسه کسب می‌کنند برای پیشبرد منافع امرالله به کار برند.

احبّایی که قابلیت و امکانات مبادرت به این اقدام را دارند مکرراً به پی‌گیری تحصیلات دانشگاهی تشویق شده‌اند، تحصیلاتی که به وسیله آن نه تنها برای اشتغال به خدمات مورد نیاز امرالهی مجهز می‌شوند بلکه به ابزاری برای بینشی شگرف از معانی و مفاهیم مندرج در تعالیم بهائی دست می‌یابند. به علاوه، به این نکته نیز واقف می‌شوند که بینش و خرد حاصله از درک عمیقی از امر حضرت بهاء‌الله موضوعات تحقیق دانشگاهی‌شان را روشن می‌نماید.

مراجعه به تعدادی از بیانات حضرت ولی‌امرالله در این مورد سودمند است. در نامه‌ای به زبان انگلیسی از طرف هیکل مبارک خطاب به یکی از احبّاً که تحصیلات عالی دانشگاهی را در موضوعی مربوط به تعالیم امر به پایان رسانده بود چنین نگاشته شده است:

امید چنان است که کلیه دانشجویان بهائی از مثل والای شما پیروی کنند و به سوی تحقیق و تحلیل مبادی امر مبارک رفته آن را با جنبه‌های مدرن فلسفه و علم مرتبط سازند. هر جوان هوشمند و فکور

بهائی باید همیشه به این نحو به امر مبارک ناظر باشد زیرا جوهر واقعی اصل تحرّی حقیقت در آن نهفته است.

وقتی که خبر تسجیل یک دانشمند علوم به اطلاع هیکل مبارک رسید در پاسخی به زبان انگلیسی که از طرف ایشان تقریر یافته بود چنین بیان شده است:

ما نیاز مبرم به آن عنصر تفکر سلیم و معقولی داریم که یک ذهن علمی پرورش یافته می‌تواند ارائه نماید. هنگامی که چنین قوای عقلانی با ایمان عمیق توأم گردد امکانات عظیمی در امر تبلیغ ایجاد خواهد شد.

منشی هیکل مبارک در موقعیت دیگری چنین نوشته است:

حضرت شوقی افندی طی سالیان متوالی، چه به احبّایی که از هیکل مبارک کسب راهنمایی می‌کردند و چه به طور عمومی، توصیه فرموده‌اند که احبّاً در رشته‌های تاریخ، اقتصاد، جامعه‌شناسی و غیره تحصیل کنند تا از جنبش‌ها و افکار مترقی عرضه شده امروز مطلع باشند و بتوانند آنها را با تعالیم بهائی ارتباط دهند. آنچه که هیکل مبارک از احبّاً می‌خواهند این است که بیشتر تحصیل کنند نه کمتر. هر قدر معلومات عمومی آنها چه علمی و چه در سایر زمینه‌ها بیشتر باشد بهتر است. همچنین هیکل مبارک مرتباً توصیه می‌فرمایند که احبّاً تعالیم بهائی را با تعمق بیشتری مطالعه نمایند. (ترجمه)

در مجهودات هم‌زمان خود برای ادامه تحصیلات و مطالعه عمیق تعالیم بهائی احبّاً موظّفند که دقیقاً در نظر داشته باشند که ظهور حضرت بهاءالله معیار حقیقتی است که همه نظرات و نتیجه‌گیری‌های دیگر باید با آن سنجیده شود. به آنان توصیه می‌شود که در مورد موقّیّت‌هایشان متواضع باشند و همیشه این فرموده جمال مبارک را مدّ نظر داشته باشند:

پس باید صدر را از جمیع آنچه شنیده شده پاک نمود و قلب را از همه تعلّقات مقدّس فرمود تا محلّ ادراک الهامات غیبی شود و خزینه اسرار علوم ربّانی گردد.

در این مرحله اولیّه توسعه امر الله، ارائه تعریفی بسیار محدودکننده برای واژه "دانش پژوهی بهائی" سودمند نخواهد بود. در نامه‌ای که اخیراً از طرف بیت العدل اعظم خطاب به یک انجمن مطالعات بهائی نوشته شده چنین بیان شده است:

بیت العدل اعظم به شما توصیه می‌نماید که شکلی را که دانش پژوهی بهائی باید به خود بگیرد یا رویکردی را که دانش پژوهان باید داشته باشند به طور بسیار محدودی توصیف نکنید بلکه باید

بکوشید تا در انجمن خود محیطی از احترام نسبت به دامنه وسیعی از رویکردها و فعالیت‌ها ایجاد نمایید. بدون شک بهائیان خواهند بود که مایلند به تنهایی کار کنند در حالی که بعضی دیگر مایل به مشورت و همکاری با افرادی هستند که علایق مشابهی دارند. هدف شما باید این باشد که محیطی از احترام متقابل و بردباری ترویج دهید که هم دانش‌پژوهانی را که علاقه اصلی‌شان به مسائل مربوط به الهیات است در برگیرد و هم آن دانش‌پژوهانی را شامل شود که علاقه آنان مرتبط ساختن بصیرت‌های حاصله از تعالیم بهائی با افکار معاصر در مورد علوم و هنر می‌باشد.

تنوع مشابهی باید مشخصه مجهوداتی باشد که دانش‌پژوهان بهائی دنبال می‌کنند که در عین حال هم علاقه‌ها و مهارت‌های شخصی و هم احتیاجات امر مبارک را در برگیرد. مسیر اتفاقات جهانی، توسعه گرایش‌های جدید فکری و گسترش کار تبلیغ همگی زمینه‌های جالب و مفیدی را مشخص می‌سازند که دانش‌پژوهان بهائی البته می‌توانند توجه‌شان را به آنها معطوف دارند. به همین ترتیب گسترش فعالیت‌های جامعه جهانی بهائی در ارتباطش با نهادهای سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات بین‌المللی فرصت‌های قابل توجهی به وجود می‌آورند که دانش‌پژوهان می‌توانند از آن طریق کمک‌های مستقیم و بی‌نهایت ارزنده‌ای جهت افزایش اعتبار امر الله و اشاعه آن در بین طبقات متنفد و مستعد اجتماع ارائه دهند. با خروج مستمر از مجهولیت، جامعه بهائی هم از داخل و هم از خارج مورد حملات دشمنانی قرار خواهد گرفت که هدف‌شان بدنام کردن و غلط نشان دادن تعالیم آن می‌باشد به امید اینکه طرفداران آن را مأیوس و ایمان پیروانش را متزلزل سازند؛ دانش‌پژوهان بهائی می‌توانند در دفاع از امر الله از طریق کمک‌های‌شان به اقدامات پیش‌گیرانه و در جواب اتهامات افتراآمیز منتشر شده، نقشی حیاتی بازی کنند.

به این ترتیب دامنه دانش‌پژوهی بهائی نه تنها باید عرصه‌ای برای کسانی فراهم سازد که به الهیات و ریشه‌های تاریخی امر الله علاقمندند بلکه برای افرادی که مایلند تعالیم بهائی را با مواضع رشته دانشگاهی یا حرفه‌ای خود مرتبط سازند و همچنین برای احبایی که ممکن است مدارک رسمی دانشگاهی نداشته باشند اما از طریق مطالعه هوشمندانه تعالیم امری بصیرت‌هایی کسب کرده‌اند که مورد علاقه دیگران می‌باشد.

چون این سؤال را مطرح کرده‌اید که آیا فیزیک می‌تواند جز از طریق غیر مستقیم ارتباطی با مواضع بهائی داشته باشد بهتر است به اظهار نظر زیر از یک متفکر علمی مشهور و غیر بهائی در مورد ارتباط بین تعالیم بهائی و پیشرفت‌های اخیر در علوم فیزیکی توجه نمایید:

در این دوران، ما تنها در صورتی می‌توانیم دوام بیاوریم و تمدن‌مان فقط در صورتی می‌تواند شکوفا شود که خرد متداول‌مان را از نو جهت دهیم و بینش‌های جدیدی را که دیانت بهائی اعلان نموده و حال به وسیله جدیدترین اکتشافات علوم تجربی نیز تأیید شده‌اند کسب نماییم. (ترجمه)

بہائیان می‌گویند که مهم‌ترین شرایطی که می‌تواند موجب استقرار صلح شود وحدت و یگانگی است — وحدت خانواده، وحدت ملل و وحدت جریانات عظیم فکری و پژوهشی که ما آنها را علم و دین می‌نامیم. بلوغ به نوبه، مستلزمی برای چنین اتحاد است. این تکامل فکری است و صحت آن از طریق تئوری‌های علمی جدید برخاسته از ترمودینامیک غیر متعادل (non-equilibrium thermodynamics)، تئوری مربوط به دستگاه‌های تحرکی (dynamical systems theory)، سیبرنتیکی (cybernetics) و سایر علوم پیچیده مربوطه نشان داده می‌شود. این تئوری‌ها بر تجسّسات تجربی در زمینه فضاشناسی فیزیکی (physical cosmology)، تئوری تکاملی اولیه در پالیویولوژی (paleobiological macroevolutionary) و روندهای جدید در تاریخ‌نگاری متکی می‌باشند.

(ترجمه)

بیت العدل اعظم مایلند از استفاده از واژه‌های "دانش پژوهی بهائی" و "دانش پژوهان بهائی" با معنایی انحصاری که در عمل باعث ایجاد مرزی بین افرادی می‌گردد که برای ورود به این طبقه پذیرفته می‌شوند و آنانی که اجازه ورود نمی‌یابند اجتناب نمایند. واضح است که این واژه‌ها نسبی هستند و چه بسا آنچه در سنجش با فعالیت‌های اطرافیان ممکن است یک تلاش دانش پژوهانه پرارزش بهائی یک فرد به حساب آید، در مقایسه با دست‌آوردهای فضلالی برجسته امر احیاناً بسیار ناچیز و بی‌اهمیت جلوه کند. بیت العدل اعظم خواهان ایجاد یک جامعه بهائی هستند که در آن اعضا یکدیگر را تشویق می‌کنند، جامعه‌ای که در آن موقّیّت محترم شمرده می‌شود و همگی واقفند که هر فرد به طریق خود می‌کوشد تا درک عمیق‌تری از امر مبارک حضرت بهاء‌الله بدست آورد و به پیشبرد آیین بهائی کمک کند.

۱۹ مه ۱۹۹۵

فرصت فراهم شده توسط تکنولوژی ارتباطات الکترونیکی برای انجام مشورت سریع و مفصل در میان احباً حائز اهمیت فراوان است. بدون شک این فرصت نمایانگر جلوه‌ای دیگر از پیشرفت است که حضرت ولی‌امرالله مشتاقانه ظهور آن را پیش‌بینی نموده می‌فرمایند که "یک سیستم مخابرات و ارتباطات جهانی ابداع گردد که با سرعتی حیرت‌انگیز و نظمی کامل به کار افتاده، فارغ از موانع و قیود ملی جمیع کره ارض را دربرگیرد." (ترجمه)

میزان تأثیر این تکنولوژی در پیشبرد امر الهی البته همانطور که به خوبی مستحضرید به نحوه کاربرد آن بستگی دارد. استفاده از آن به عنوان وسیله‌ای برای تبادل نظر در بین احباً، آنان را ملزم به رعایت همان موازین ادب، اعتدال، و صداقتی می‌نماید که لازمه هرگونه مباحثه دیگری است. همچنین افرادی که از این وسیله استفاده می‌نمایند نیز باید از تحقیر عقاید یکدیگر اجتناب ورزند. در این رابطه، بیت العدل اعظم متوجه انزجار منطقی شما از گرایشی آشکار در به کار بردن برچسب‌های گمراه‌کننده و غرض‌آلودی مانند "سنت‌گرایان" و "آزادی‌خواهان" شده‌اند که موجب شکاف در جامعه بهائی می‌گردد. میزان مداومت احتمالی این عادت فکری تفرقه‌انداز در جامعه بهائی که واضحاً از اجتماع غیر بهائی انتقال یافته، نمایانگر بینش و درکی نابالغ و نارسا از زندگی است. اگر بهائیان به این طرز فکر ادامه دهند، همچنان که به وضوح در اجتماعات گذشته اتفاق افتاده، حتی پرارزش‌ترین مجهودات عالمانه، هیچ ثمری نخواهد داشت.

از همه مهم‌تر، همانند هر نوع مطالعه و تحقیق بهائیان در باره اعتقادات و آداب دیانت خود، مباحثات الکترونیکی نیز فقط هنگامی به نفع امرالله و احباً خواهد بود که در چارچوب تعالیم بهائی و حقایق مندرج در آن انجام شود. مبادرت به بحث در باره تعالیم امر الهی، بدون توجه به هدایات معتبر مودوعه در آن منطقی با تناقضی آشکار همراه خواهد بود. در خصوص نکته اول که در نامه خود به آن اشاره کرده‌اید، بدیهی است سعی در تحمیل محدودیت بر جامعیت مرجعیت مظهر ظهور الهی منجر به شکست‌های پژوهشی مهم و عدم هماهنگی در کوشش‌هایی خواهد شد که موفقیت آن دقیقاً بستگی به روح وحدت و اعتماد متقابل دارد. معیار آن است که حضرت بهاءالله به شخصه آن را روشن فرموده‌اند:

جوهر توحید آنکه مطلع ظهور حق را با غیب منیع لایدرک یک دانی به این معنی که افعال و اعمال و اوامر و نواهی او را از او دانی من غیر فصل و وصل و ذکر و اشاره.

در مورد توافق علم و دین، آثار طلعات مقدسه و تبیینات حضرت ولی امرالله این نکته را بسیار روشن می‌سازد که وظیفه نوع بشر، از جمله جامعه بهائی که به منزله خمیرمایه در میان مردم دنیا عمل می‌کند، ایجاد یک تمدن جهانی است که هم بعد روحانی و هم بعد مادی عالم وجود را در برگیرد. ماهیت و حیطة عمل یک چنین تمدنی به مراتب فراتر از درک و تصور نسل کنونی است. اجرای این مشروع عظیم متکی بر تعامل فزاینده بین حقایق و اصول دین و اکتشافات و بینش‌های حاصله از تحقیقات علمی خواهد بود. این تعامل مستلزم این است که وجود مسائل مبهم را یکی از خصیصه‌های طبیعی و اجتناب‌ناپذیر فرایند کشف حقیقت بدانیم. همچنین مستلزم آنست که علم را به هیچ مکتب فکری خاص و یا رویکردی که در مسیر توسعه آن مسلم فرض شده، محدود نماییم. چالشی که اندیشمندان بهائی با آن روبه‌رو هستند بر عهده گرفتن رهبری مدبرانه در این مجهودات است زیرا آنان هستند که هم از بینش پرارزش امرالهی و هم از مزایای پژوهش علمی برخوردارند.

سهولت و غیر شخصی بودن نسبی رسانه‌های الکترونیکی به نحوی حتی مستلزم رعایت انضباط بیشتری در مقایسه با مواردی می‌باشد که فرصت ارتباط مستقیم شخصی و معاشرت‌های اجتماعی موجب تقویت روح وحدت و یگانگی می‌شود. در طلب این روح وحدت، بهائیان بدون شک مایلند با ارائه و گفتگو در باره آثار امری مربوطه به فرایندهای مشورتی کمک نمایند. نفس این مراجعه به آثار سبب خواهد شد که توجه مجدداً به چارچوب اعتقادات بهائی معطوف گردد.

۱۴ مارس ۱۹۹۶

از اینکه تلاش‌های مبذوله برای ایجاد تمایز بین "عامّه بهائیان" و "دانش‌پژوهان بهائی" در رابطه با مطالعات امری معمولاً سبب ایجاد اختلاف در بین احبّاً می‌گردد ابراز ناراحتی کرده‌اید. نگرانی شما کاملاً بجاست. چنین طرزفکری در مورد پژوهش در امر مبارک نمایانگر سوء برداشتی بنیادین از الگوی جامعه بهائی مندرج در تعالیم الهی می‌باشد.

همانطور که مطلعید، حضرت بهاءالله می‌فرمایند که کسب دانش بر همگان فرض شده است و در توصیف دانش می‌فرمایند که "به منزله جناحست از برای وجود" و "مرفاتست از برای صعود". افرادی که اکتسابات عالیه‌شان در این زمینه به آنها امکان می‌دهد که سهم مهمّی در پیشبرد تمدن داشته باشند سزاوار قدرشناسی و سپاس اجتماع می‌باشند.

تبخّریک فرد در علوم طبیعی یا اجتماعی، حقوق، زبان‌شناسی و سایر رشته‌های تخصصی در مطالعه ظهور الهی، اغلب در روشن ساختن مسائل مورد بررسی مؤثر است و چنین کمک‌هایی باید مورد قدردانی فراوان قرار گیرد. رشته مطالعات خاورمیانه که در نامه شما ذکر شده بود یکی از رشته‌هایی است که می‌تواند در این راستا کمک نماید. اما تخصص در هیچ رشته‌ای از رشته‌های متعدد پژوهشی نمی‌تواند به افراد شاغل در آن رشته‌ها نقش مرجعیّت در کوشش جمعی در راه بررسی مفاهیم و مقتضیات چنین منبع بی‌کرانی از حقیقت را تفویض کند.

حضرت بهاءالله به موازات دعوت به کسب دانش، خصیصه‌ای را به کلی منسوخ فرموده‌اند که در همه ادیان گذشته موجود است و بر اساس آن طبقه‌ای خاص از مردم مثل کشیش‌ها در مسیحیّت و علما در اسلام، توانستند صاحب مرجعیّت برای درک مسائل و انجام رسوم مذهبی هم‌کیشان شوند. حضرت ولیّ امرالله در نامه‌ای به زبان فارسی که از طرف آن حضرت به محفل روحانی استانبول نوشته شده، اهمیّت این انفصال مهم از تاریخ گذشته ادیان را مؤکداً تصریح می‌فرمایند:

ولی الحمد لله قلم اعلى این استبداد رأى افراد علما و عقلا را از میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند.

دور بهائی از قلم مؤسس اعظمش به عنوان "هذا يوم لن يعقبه ظلمة الليل" توصیف شده است. حضرت بهاءالله از طریق عهد و میثاق خویش یک منبع استوار هدایت الهی را مهیا فرموده اند که در طول این دور استمرار خواهد داشت. اختیار و مرجعیت اداره امور جامعه و وظیفه حفظ تمامیت کلام الهی و انتشار پیام امرالله به عهده نظم اداری که زاده عهد و میثاق می باشد محول گردیده است. تنها از طریق انتخابات آزاد یا انتصابات ناطلبیده است که اعضای مؤسسات این نظم به سمت های خود برگزیده می شوند. هیچ حرفه ای نیست، چه در تبلیغ امرالله و چه در امور اداری امری، که فرد بتواند برای آن تعلیم ببندد و یا به نحوی صحیح خواهان آن باشد. این بیانات هشاردهنده جمال مبارک مخصوصاً در این مورد صدق می کند:

برتری و بهتری که به میان آمد عالم خراب شد و ویران مشاهده گشت.

انسان عزیز است چه که در کل آیت حق موجود و لکن خود را اعلم و ارجح و افضل و اتقی و ارفع دیدن خطائست کبیر.

ترویج هر نوع یادگیری در بین بهائیان فعالیتی اساسی برای نیل به اهداف متنوع جامعه می باشد. بنا بر این تشویق افراد احباً به کسب دانش، عملیات مدارس بهائی، دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی، تشکیل گروه های مطالعه و فعالیت های تیم های اجرایی مخصوص ارتباط اصول بهائی با مشکلات نوع بشر، همگی نمونه های فعالیت هایی است که از یک سو مشاورین و معاونین شان و از سوی دیگر محافل ملی و محلی باید به آنها بپردازند. در ایفای این مسئولیت های مبرم مؤسسات بهائی در همه جا مشاهده می کنند که کوشش هایشان به نحو قابل ملاحظه ای از طریق مساعدت های احبایی تقویت می شود که فعالیت های پژوهش مندانه، خصایص اخلاقی و به خصوص تمسک شان به امر مبارک آنان را برای خدمت مهیا می سازد.

مسئولیت خاصی در این مطلب بر دوش مشاورین قرار دارد زیرا وظیفه کمک به شکوفا ساختن استعداد های افراد احباً به آنان محول شده است. اعضای این مؤسسه که برای دوره های مشخصی منصوب می شوند موظفند امور مربوط به صیانت و ترویج امرالله را که در الواح مبارکه وصایای حضرت عبدالبهاء به ایادی امرالله محول شده است، استمرار دهند. بدین ترتیب وظیفه مشاورین "نشر نفحات الله و تربیت نفوس و تعلیم علوم و تحسین اخلاق عموم و تقدیس و تنزیه در جمیع شئونست. از اطوار و احوال و کردار و گفتار باید تقوای الهی ظاهر و آشکار باشد." همانند ایادی امرالله، مشاورین حق تبیین ندارند، حقی که از طریق عهد و میثاق صرفاً به حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تفویض شده است. اگرچه بعضی از مشاورین مانند بعضی از ایادی امرالله در حیات حرفه ای خود دوره های مختلف دانشگاهی یا تخصصی را گذرانده اند ولی انجام وظایف شان متکی به این گونه مهارت ها

نمی‌باشد. آنان همگی در همه جا در وظیفه اساسی تشویق احبّاً به کسب دانش در تمام ابعادش، کاملاً شریک هستند. همچنین همگی در مسئولیت تفویض شده به مؤسسه‌ای که افتخار عضویت آن را دارند، یعنی صیانت امرالله در برابر دشمنان خارجی و داخلی سهیم می‌باشند، امری که هم حضرت عبدالبهاء و هم حضرت ولی‌امرالله برای آن اهمّیت خاصّی قائل بودند.

۲ ژوئیه ۱۹۹۶

منظور از این نامه بررسی مفصّل اظهارات و فعالیت‌های احبّایی که به آنان اشاره نموده‌اید و یا شرح و بسط پاسخ‌هایی که آنان طی این سالیان از مؤسّسات امری دریافت کرده‌اند نیست. بلکه بیت العدل اعظم امیدوارند که با بررسی این مسئله در رابطه با جوانبی از معتقدات آیین بهائی، شما بتوانید به پاسخ بعضی از سؤالاتی که ذهن‌تان را به خود مشغول داشته است دست یابید.

درکنه اهداف دیانت بهائی، استقرار عدالت و اتحاد در جهان، برانداختن تعصّب و دشمنی از میان مردم، بیداری حسّ شفقت و تفاهم در قلوب تمامی مردان و زنان، و ارتقای جمیع نفوس به سطح جدیدی از روحانیت و سلوک به قوّه حیات بخش ظهور امر الهی جای دارد. مسیری که حضرت بهاءالله برای نیل به این اهداف مقرر فرموده‌اند همانا وظیفه دوگانه و هم‌زمان تهذیب رفتار نفوس و ساختن جامعه‌ای مطلوب است. برای این تحوّل دوگانه و متقابل، آن حضرت نه تنها احکام، تعالیم، اصول و حقایقی متناسب با احتیاجات این زمان را نازل فرموده‌اند بلکه هسته مرکزی و الگوی مؤسّساتی را تأسیس نموده‌اند که قادر است به ساختار یک اجتماع جهانی موعود تکامل یابد.

نکته مرکزی استنباط شما از اظهارات احبّایی که نگران‌شان هستید ادّعی آنان بر این است که کاملاً مطیع و منقاد روح عهد و میثاق و مؤسّسات امری هستند؛ صرفاً عدم موافقت خود را با بعضی از تصمیمات و خطّ مشی‌های این مؤسّسات ابراز می‌دارند؛ اعتراض آنها فقط علیه آنچه که به نظرشان اعمالی غیر عادلانه و نادرست از جانب بعضی از افراد حائز مقام برجسته تشکیلاتی است، می‌باشد؛ و برای جلوگیری از آنچه که سوء استفاده از قدرت به نظر می‌رسد تعدیلاتی در مقرّرات بهائی پیشنهاد می‌نمایند. اما این گفته‌ها، بعضی از اصول مهمّ دیانت بهائی را که روش‌ها و مجاری لازم برای ابراز این گونه شکایات یا اختلاف نظرها را فراهم نموده و برای حلّ مشکلات و در عین حال حفظ وحدت جامعه طرح شده‌اند را نادیده می‌گیرد.

طی سال‌های متمادی، چند نفر از احبّاً در ایالات متّحده آمریکا به جای اینکه اعتراضات خود را علیه آنچه سوء استفاده از قدرت از جانب بعضی از تشکیلات امری می‌انگاشتند تنها به مجاری و دفاتر متعدّد تعیین شده برای چنین منظوری ارسال دارند، به طور آشکارا و پنهانی به مؤسّسات امری حمله کرده‌اند و با تهمت‌های

خاصّ بی عدالتی را به حدّی تعمیم داده‌اند که تمام ساختار اداری را نه فقط در طرز عمل بلکه حتّی در قالب و محتوا به فساد متّهم نموده‌اند. یک پیامد این سیل مداوم انتقادات منفی، تبدیل تدریجی اتهامات بی‌اساس به عنوان "حقایقی" پذیرفته شده در اذهان بعضی از شنوندگان‌شان بوده است.

از طریق این گونه فعالیت‌ها و حمایت متقابل از همدیگر، این دوستان به نحو فزاینده‌ای شکل یک گروه بهائی مخالف را به خود گرفته‌اند که می‌کوشند تا نارضایتی گسترده‌ای در جامعه برانگیزند و بدین وسیله تغییراتی در ساختار و اصول نظم اداری بهائی ایجاد کرده آن را با عقاید شخصی خود بیشتر هماهنگ سازند. چنین فعالیتّی مشابهت نزدیکی با پی‌گیری یک برنامه حزبی سیاسی دارد، فعالیتّی که در اکثر جوامع مورد قبول و حتّی مورد تحسین است اما با روح دیانت بهائی کاملاً در تضادّ می‌باشد. این عمل، جوّی از مجادله را ترویج می‌دهد حال آنکه حضرت بهاءالله تصریح فرموده‌اند "نزاع و جدال را نهی فرمود نهیاً عظیماً فی الکتاب"

قوانین، احکام، دستورات و نصایحی که همه ما به عنوان بهائی اطاعت از آن را پذیرفته‌ایم شامل رویکردی مشخص برای تصمیم‌گیری و اجرای آن می‌باشد. شما بدون شک با جنبه‌های گوناگون این رویکرد خوبی آشنا هستید، رویکردی استوار بر اساس این اعتقاد مبرم که تنها راه وصول به مدنیّت مورد نظر حضرت بهاءالله وحدت و اتّحاد می‌باشد. تأکید بر اتّحاد به حدّی شدید است که مثلاً وقتی یک محفل تصمیمی می‌گیرد، انتظار می‌رود که همه با جان و دل از آن تصمیم حمایت کنند و با نهایت اطمینان به این تضمین حضرت عبدالبهاء متّکی باشند که می‌فرمایند "چون اتّحاد است عاقبت حقیقت منکشف گردد و خطا بدل به صواب شود." مکمل این اصل وحدت، رهنمودهای مربوطه دیگری از قبیل نحوه بیان انتقاد، نحوه تصحیح اشتباه اعضای جامعه، نحوه اجرای اصل عدالت و قبول استیناف، و نحوه حفظ شأن افراد، مؤسّسات و امرالله می‌باشد.

بهائیان در عین پیروی از این تعالیم، واقفند که افراد با قبول امر الهی مظهر کمالات نمی‌شوند. آنان به زمان نیاز دارند تا رشد روحانی یابند، از نقایص شخصی خود و از پیش‌فرض‌های ساختاری و رفتاری اجتماعی که در آن پرورش یافته‌اند رها شوند، اجتماعی که نگرش‌شان به دنیا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مؤسّسات امری که احباً با اطاعت از حکم حضرت بهاءالله، طبق الگوی مقررّه حضرت عبدالبهاء، تبیینات حضرت ولیّ امرالله، و تحت هدایات بیت العدل اعظم بنا نموده‌اند هنوز در مرحله جنینی هستند و معدود نیست مواردی که این مؤسّسات به ایده‌آلی که برای رسیدن به آن جهد می‌نمایند نمی‌رسند. همچنین این امکان وجود دارد که بعضی افراد از موقعیت و مقامی که از طریق انتخاب یا انتصاب در ساختار نظم اداری به آن حائز شده‌اند سوء استفاده نمایند. حضرت ولیّ امرالله به کرات در توقیعات خویش به احباً توصیه می‌فرمودند که هم نسبت به یکدیگر و هم نسبت به محافل صبور و بردبار باشند، اما در موارد اشتباهات جدّی چه از طرف مؤسّسات و چه از جانب افراد، نه حضرت ولیّ امرالله و نه بیت العدل اعظم در اتّخاذ اقدامات اصلاحی درنگ نموده‌اند. نظم اداری بهائی به منظور رویارویی با این چنین نقایص بشری تمهیداتی دارد و به نحوی طرح‌ریزی شده است که احباً را قادر سازد تا با وجود

همه نقایص شان نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله را بدون اختلاف بنا نهند، زیرا اختلاف است که بنیان را بالکل منهدم خواهد ساخت.

علاوه بر تشریح احکام، حل مشکلات غامضه، توضیح مسائل مبهمه، حل اختلافات، اداره امور جهانی امرالله و هدایت اجرای نقشه الهی، یکی از وظایف بیت العدل اعظم حفظ افراد احباً و هیکل امرالله از تأثیرات مضره مؤسسات معیوب و افراد نابخرد یا بدخواه می باشد. اغلب اوقات این نقایص، چه در رفتار افراد و چه در عملکرد مؤسسات، نسبتاً جزئی بوده و می توان آنها را به وسیله محافل محلی و ملی یا مشاورین و اعضای هیئت معاونت و مساعدین شان حل و فصل نمود. اما در بعضی موارد موقعیت بسیار خطیر می شود و مرکز جهانی بهائی مجبور به مداخله می گردد.

شما مستقیماً بیشتر به فکر ایالات متحده هستید. نامه مورخ ۱۹ مه ۱۹۹۴، در واقع به بعضی از جوانب طرز کار محفل روحانی ملی شما می پردازد زیرا که در پاسخ به تقاضای محفل ملی شما برای هدایت نوشته شده بود، اگرچه صرفاً یکی از مسائلی است که جامعه بهائی امریکا با آن رو به رو است. با مطالعه دقیق آن نامه متوجه خواهید شد که نامه خواهان یک سلسله اصلاحات در اعمال افراد و تمامی جامعه می باشد. در واقع این نامه نکاتی را تذکر می دهد که در نامه مورخ ۲۹ دسامبر ۱۹۸۸ به آنها اشاره شده بود و در آن به احباً توصیه شدید شده که نظریات پذیرفته شده در باره نحوه کارکرد جامعه را مورد تفکر و تعمق مجدد قرار دهند.

متأسفانه به نظر می رسد که کوشش مؤسسات و بعضی از احباً در توضیح این مطالب از طرف دوستان سابق الذکر رد شده است. معدودی از آنان مؤدبانه وصول مرقومه های بیت العدل اعظم را اعلام کردند اما سپس با بی اعتنایی به نکات اساسی ذکر شده، همچنان به راه خود ادامه داده اند. چند نفر علناً با هدایات معهد اعلی مخالف و ورزیده اند. بحث از یک علاقه خالصانه به حفظ عدالت و حقوق افراد در جامعه به مراتب گذشته و به برانگیختن اختلاف در مورد بنیادی ترین عقاید امرالله و حمله به اساس عهد و میثاق کشیده شده است، میثاقی که تنها ضامن آن است که امر الهی خلوص حقیقت اصلی خود را طی قرون و اعصار حفظ خواهد نمود.

لذا نکته مورد توجه این است که آیا احباً باید مجاز باشند که همیشه به تضعیف ایمان هم کیشان خود ادامه دهند، در درون جامعه ایجاد تشنج کنند، و تئوری و طرز عمل نظم اداری حضرت بهاءالله را علناً مورد حمله قرار دهند.

حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب اقدس در مورد آزادی می فرمایند "انا نصدقها فی بعض المقامات دون الآخر." یکی از مواردی که آزادی در جامعه بهائی محدود است روش ها و مجاری ارائه انتقاد می باشد. در این رابطه، مجموعه مختصری شامل منتخباتی از تویعاتی که از طرف حضرت ولی امرالله به افراد احباً نوشته شده به ضمیمه ارسال می گردد. از این هدایات، اصول ذیل به وضوح استنباط می گردد:

- اَهْمِيَّتِ اتِّحَادِ هَمَّ بِهٖ عَنوَانِ هَدَفٍ وَ هَمَّ بِهٖ عَنوَانِ وَسِيْلَةٍ اسْتِقْرَارِ پِيَامِ حَضْرَتِ بَهَاءِ اللّٰهِ. جَمَالِ اَقْدَسِ اِبْهِي "نَه تَنْهَ اَصُوْلِ خَاصِّی رَا تَوْصِيَهٗ فَرْمُوْدَهٗ اَنْدَ بَلَكِهٖ نِظَامِی رَا نِیْزِ بَرَایِ اسْتِقْرَارِ وَ تَدَاوَمِ هَدَفِ مَوْرِدِ نَظَرِ خُودِ مَقْرَّرَ نَمُوْدَهٗ اَنْدَ" وَ تَمَسَّكٌ اِحْبَابًا بِهٖ هَرِّ دَوِّ بَرَایِ "تَحَقُّقِ هَدَفِ وَحْدَتِ عَالَمِ اِنْسَانِی" (تَرْجَمَهٗ) ضَرْوَرِی اسْتِ.
- اِحْبَابًا "كَامَلًا" مَخْتَارِنْدَ كِهٖ اِنْتِقَادَاتِ خُودِ رَا بِهٖ مَحَافِلِ شَانِ اِرَاثَهٗ دَهْنْدَ" وَ تَوْصِيَهٗ هَايِشَانِ رَا اِبْرَازِ دَارِنْدَ. وَ قَتِّی كِهٖ اَنَانِ اِنْتِقَادَاتِ، پِيَشْنَهَادَاتِ وَ تَوْصِيَهٗ هَايِشَانِ رَا بِهٖ ضَمِيْمَهٗ نَظَرَاتِ شَانِ "رَاجِعِ بِهٖ خَطِّ مَشِي یَا اِعْضَایِ مَوْسَّسَاتِ اِنْتِخَابِی" بِهٖ مَحَافِلِ اِرْسَالِ دَاشْتِنْدَ، بَايْدَ "اَزِ صَمِيْمِ قَلْبِ تَوْصِيَهٗ یَا تَصْمِيْمِ اَنِّ مَحْفَلِ رَا پَبْذِيْرِنْدَ" (تَرْجَمَهٗ)
- تَفَاوُتِ اَشْكَارِی اسْتِ اَزِ یَكِ سَوْبِيْنِ نَهْمِی اَزِ غِيْبَتِ كِهٖ شَامِلِ اِظْهَارَاتِ نَامَطْلُوْبِ دَرِ مَوْرِدِ اِفْرَادِ یَا مَوْسَّسَاتِ نَزْدِ سَايِرِ اِفْرَادِ چِهٖ بِهٖ صَوْرَتِ خُصُوْصِی چِهٖ دَرِ مَلَأِ عَامِ مِی بَاشْدَ، وَ اَزِ سَوِیِ دِيْگَرِ، تَشْوِيْقِ بِهٖ دَرِ مِیَانِ كَذاشْتِنِ نَگَرَانِی خُوِيْشِ بَا یَكِ مَحْفَلِ رُوْحَانِی مَحَلِّی یَا مَلِّی (وَ حَالَا هَمَّچُنِيْنِ بَا مِشَاوَرِيْنِ وَ اِعْضَایِ هَيْثِ هَایِ مَعَاوَنَتِ). بِهٖ اِيْنِ تَرْتِيْبِ، اَكْرَچِهٖ یَكِی اَزِ وِظَايِفِ اَصْلِی ضِيَاْفَتِ نُوْزْدَهٗ رُوْزَهٗ فَرَاھِمِ سَاخْتِنِ فَرْصَتِی بَرَایِ "اِنْتِقَادِ صَرِيْحِ وَ سَازَنْدَهٗ وَ مَشُوْرَتِ دَرِ بَارَهٗ اَوْضَاعِ اَمُوْرِ دَاخِلِی جَامِعَهٗ مَحَلِّی بَهَائِی" (تَرْجَمَهٗ) مِی بَاشْدَ، اَمَّا شَكَايَا تِ دَرِ مَوْرِدِ رِفْتَارِ یَكِی اَزِ اِعْضَایِ مَحْفَلِ بَايْدَ مَسْتَقِيْمًا وَ بِهٖ طَوْرِ مَحْرَمَانَهٗ بَا خُودِ مَحْفَلِ دَرِ مِیَانِ كَذاْرْدَهٗ شُوْدِ نَهٗ نَزْدِ سَايِرِ اِفْرَادِ؛ وَ حَتِّی نَبَايْدَ دَرِ ضِيَاْفَتِ نُوْزْدَهٗ رُوْزَهٗ مَطْرَحِ كَرْدَدَ.
- دَرِ حَالِی كِهٖ اِرَاثَهٗ اِنْتِقَادِ سَازَنْدَهٗ تَشْوِيْقِ مِی شُوْدِ، اِنْتِقَادِ مَخْرَبِّ مَانَنْدِ "مَخَالَفَتِ دَائِمِ وَ اِنْتِقَادِ مَسْتَمَّرِ" (تَرْجَمَهٗ) اَزِ تَصْمِيْمَاتِ مَحَافِلِ رُوْحَانِی، مَانَعِ كَسْتَرَشِ سَرِيْعِ اَمْرِ اِلْهِي كَشْتَهٗ وَ مَوْجِبِ دَوْرِی اِفْرَادِی كِهٖ هَنْوُزِ عَضُوْ جَامِعَهٗ نِيْسْتَنْدَ مِی كَرْدَدَ. دَرِ حَقِيْقَتِ "اَزِ هَرِّ نَوْعِ اِنْتِقَادِ وَ بَحْثِ هَایِ مَنْفِی كِهٖ مَمْكِنِ اسْتِ مَوْجِبِ تَضْعِيْفِ اِخْتِيَارَاتِ نَفْسِ مَحْفَلِ رُوْحَانِی كَرْدَدَ بَايْدَ اَكِيْدًا خُودِ دَارِی شُوْدِ، زِيْرَا دَرِ غَيْرِ اِيْنِ صَوْرَتِ نَظْمِ اَمْرِ اللّٰهِ خُودِ دَرِ خَطَرِ خَوَاھَدِ اِفْتَادِ وَ اَشْفَتَكِی وَ اِخْتِلَافِ بَرِ جَامِعَهٗ غَلْبَهٗ خَوَاھَدِ يَافْتِ." (تَرْجَمَهٗ) "اِنْتِقَادِ خَشْنِ وَ مَعْرُضَانَهٗ بَرَاَسْتِی یَكِ مَصِيْبِتِ اسْتِ" كِهٖ اَزِ "عَدَمِ اِيْمَانِ بِهٖ نِظَامِ حَضْرَتِ بَهَاءِ اللّٰهِ" وَ قَصُوْرِ دَرِ پِيْرُوِی اَزِ "اِحْكَامِ بَهَائِی دَرِ مَوْرِدِ اِبْدَايِ رَأٰی، شَرَكْتِ دَرِ اِنْتِخَابَاتِ، خَدْمَتِ وَ اطَاعَتِ اَزِ تَصْمِيْمَاتِ مَحْفَلِ رُوْحَانِی" (تَرْجَمَهٗ) نَاشِی مِی كَرْدَدَ.
- مَسْئَلَهٗ نَحْوَهٗ بِيَانِ اِنْتِقَادِ وَ طَرُزِ بَرِخُوْرِدِ بَا اَنِّ دَرِ جَامِعَهٗ بَهَائِی، وَ اِيْنَكِهٖ مَحَافِلِ رُوْحَانِی چِگونَهٗ بَايْدَ عَدَالَتِ رَا دَرِ مَوْرِدِ اِفْرَادِ اِجْرَا نَمَايَنْدَ، اَلْبَتَّهٗ عَنَاصِرِی اَزِ مَفَاھِيْمِی بَسِ عَظِيْمِ تَرَاَسْتِ وَ دَرِ كَفْتِمَانِ اِجْتِمَاعِی بَايْدَ طَبِيْعَتِ ثَانُوِی بَهَائِيَانِ كَرْدَدَ. جَامِعَهٗ بَهَائِی اِجْتِمَاعِی اسْتِ مَتَشَكَّلُ اَزِ اِفْرَادِی كِهٖ بَا قَبُوْلِ دَعْوِی حَضْرَتِ بَهَاءِ اللّٰهِ بِهٖ عَنوَانِ مَظْهَرِ ظُهُوْرِ اِلْهِي بَرَایِ اِيْنِ عَصْرِ، بِهٖ مِيْلِ خُودِ كَرْدَ هَمَّ اَمْدَهٗ اَنْدَ تَا اَلْگُوْهَايِ خَاصِّی اَزِ رِفْتَارِ شَخْصِی وَ اِجْتِمَاعِی رَا بَرَقْرَارِ سَازَنْدَ وَ مَوْسَّسَاتِی بَرَایِ تَرْوِيْجِ اِيْنِ اَلْگُوْهَا بِنَا نَهْنْدَ. بَسِيَارَنْدَ اِفْرَادِی كِهٖ دَرِ اَرْمَانِ هَايِ دِيَانَتِ بَهَائِی شَرِيْكَنْدَ وَ اَزِ تَعَالِيْمِ اَنِّ اَلْهَامِ مِی كِيْرِنْدَ، دَرِ حَالِی كِهٖ بَا بَعْضِی خُصُوْصِيَّاتِ اَنِّ مَوْافِقِ نِيْسْتَنْدَ؛ اَمَّا كَسَانِی كِهٖ عَمَلًا وَ اَرَادَ جَامِعَهٗ بَهَائِی مِی شُوْنْدَ اَزَادَانَهٗ بِهٖ اِرَادَهٗ خُوِيْشِ پَذِيْرَفْتَهٗ اَنْدَ كِهٖ اَزِ تَعَالِيْمِ اَمْرِ بِهٖ طَوْرِ كَامَلِ پِيْرُوِی نَمَايَنْدَ، بَا عِلْمِ بِهٖ اِيْنَكِهٖ اَكْرَ دَرِ

حین پیاده کردن تعالیم تردید یا عدم توافقی بروز نماید، طبق حکم صریح آثار نازله، داور نهایی بیت العدل اعظم است.

دعای قلبی معهد اعلی اینست که احبایی که در این مجهودات احساس عدم توافق می کنند به هدایاتی که معهد اعلی برایشان فراهم می نمایند اعتماد خواهند داشت، تعالیم الهی را مجدداً مطالعه خواهند نمود و به خاطر جمال مبارک علاقه خود را نسبت به یکدیگر تقویت خواهند کرد. همچنان که منشی حضرت ولیّ محبوب امرالله در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۴۹ از طرف هیکل مبارک به یکی از احباً نوشته اند "بدون روح محبت حقیقی به حضرت بهاءالله، به امر آن حضرت و به مؤسّسات آن و نیز محبت احباً نسبت به یکدیگر، امر الهی هرگز نمی تواند جم غفیری را در ظلّ خود وارد سازد. زیرا دنیا طالب موعظه و مقرّرات نیست بلکه خواهان محبت و عمل است." (ترجمه) این مجهودات جهانی که امر الهی آغاز نموده بسی عظیم تر، نیاز مردم جهان به پیام حضرت بهاءالله بسی فوری تر، خطراتی که نوع بشر را تهدید می کند بسی شدیدتر و پیشرفت حوادث بسی سریع تر از آن است که به پیروان اسم اعظم اجازه دهد که وقت و کوشش هایشان را در اختلافات بیهوده تلف نمایند. اکنون، بیش از هر زمان، وقت محبت بین دوستان، وقت وحدت فکر و کوشش و وقت فداکاری و قیام احباً به خدمت در هر گوشه ای از جهان است.

بیت العدل اعظم نگرانی شما را نسبت به عملکرد صحیح جامعه بهائی درک می کنند و به شما توصیه می نمایند که به مسائلی که ذکر کرده اید در پرتو نفس تعالیم الهی بنگرید، و آن را با معیارهای سایر فلسفه ها یا نظام های مدنی، که مفروضات اساسی شان از بسیاری جهات با نظم الهی جمال اقدس ابهی متفاوت است، نسنجید.

۳ ژوئن ۱۹۹۷

سؤالاتی که مطرح کرده‌اید، سؤالاتی ناشی از یک محاورهٔ الکترونیکی بین شما و یکی دیگر از شرکت‌کنندگان گروه بحث، حائز نهایت اهمیت است و بیت العدل اعظم صمیمانه از حسن نیت شما در طرح این پرسش‌ها قدردانی می‌نماید.

مسائل مطرح شده به نظر به دو نکته منتهی می‌شود: اول اینکه آیا بیت العدل اعظم حق تبیین دارند یا نه و دوم اینکه آیا هیچ کس حق دارد مرجعیت یا اقدامات بیت العدل اعظم را زیر سؤال برد؟ وقتی این مسائل با درکی از وحدت به عنوان زیربنای همهٔ تعالیم بهائی بررسی شود، روشن شدن نکات حاصل می‌شود اما اگر متحرّی تحت تأثیر روحیهٔ بی‌اعتمادی و مجادله باشد، آن وقت مشکلات بی‌پایان بروز می‌نماید.

نکات فوق در سه نامهٔ بیت العدل اعظم به تاریخ، ۹ مارس ۱۹۶۵، ۲۷ مه ۱۹۶۶ و ۷ دسامبر ۱۹۶۹ منظور گردیده است. متأسفانه به نظر می‌رسد که بسیاری از احباب این نامه‌ها را عمیقاً مطالعه نکرده و به مفاهیم مندرج در آن پی نبرده‌اند. حضرت ولی‌امرالله قبلاً در توفیق "دور بهائی" صریحاً مشخص فرموده‌اند که حق تبیین تعالیم بهائی صرفاً و منحصرأً به ولی‌امرالله اختصاص دارد. نه بیت العدل اعظم و نه هیچ مؤسسه، شخص یا گروه دیگری، می‌تواند این وظیفه را به عهده گیرد. اینکه بیت العدل اعظم هرگز به حیطةٔ عملی که به ولی‌امرالله منحصر شده تعدی نخواهند کرد، نه فقط در نوشته‌ها و عمل خود بیت العدل اعظم، بلکه در بیان حضرت ولی‌امرالله در همان سند مذکور نشان داده شده است: "هیچ یک از این دو مؤسسه نمی‌تواند به قلمرو مقدّس و مقرر دیگری تعدی نماید و هرگز نیز تعدی نخواهد کرد." (ترجمه) و این موضوع با این حقیقت که بیت العدل اعظم و ولی‌امرالله "در تحت حفظ و صیانت جمال ابهی و حراست و عصمت فائض از حضرت اعلی روحی لهما الفداست" تضمین می‌گردد.

معهد اعلی در نامهٔ مورّخ ۹ مارس ۱۹۶۵ اظهار داشتند "بین تبیینات حضرت ولی‌امرالله و توضیحات بیت العدل اعظم که در حین انجام وظایف خود بر اساس نصوص مبارکه باید ... در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیر منصوصه مذاکره نمایند، فرقی بسیار مهم موجود است." با مشاهدهٔ نحوهٔ کار بیت العدل اعظم و در هنگام ضرورت با مراجعه به آن معهد برای هدایت، احباب این تفاوت را درک خواهند نمود.

همانطور که آگاهید، مرجعیت بیت العدل اعظم چالش ناپذیر است. این موضوع در موارد متعددی در آثار مبارکه تصریح شده است. در همان قسمت فوق‌الذکر از الواح مبارکه وصایا، حضرت عبدالبهاء در مورد حضرت ولی‌امرالله و بیت العدل اعظم اضافه می‌فرمایند که "آنچه قرار دهند من عند الله است من خالفه و خالفهم فقد خالف الله و من عصاهم فقد عصی الله و من عارضه فقد عارض الله و من نازعهم فقد نازع الله و من جادله فقد جادل الله و من جحده فقد جحد الله و من انکره فقد انکر الله و من انحاز و افترق و اعتزل عنه فقد اعتزل و اجتنب و ابتعد عن الله."

علاوه بر آن، در انتهای الواح وصایا، ضمن هشدار از خطر نقض عهد و میثاق، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند "این کلمات را مبادا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود هر ناقص ناکثی بهانه‌ئی کند و علم مخالفت برافرازد و خودرأیی کند و باب اجتهاد باز نماید نفسی را حقّ رأیی و اعتقاد مخصوصی نه باید کل اقتباس از مرکز امر و بیت عدل نمایند و ما عداهما کلّ مخالف فی ضلال مبین."

طبیعی است که احباً در باره این قبیل مطالب بین خود گفتگو نمایند، همچنان که شما و طرف مورد مکاتبه در گروه بحث اینترنتی خود به آن پرداخته‌اید، در غیر این صورت چگونه می‌توانند درک عمیقی نسبت به تعالیم مبارکه پیدا کنند؟ اما احباً باید متوجه باشند که راه حلّ اختلاف نظرها در مورد چنین مسائلی اساسی ادامه بحث نیست بلکه همانطور که شما عمل کرده‌اید، رجوع به بیت العدل اعظم است. مباحثات طولانی، لاینحلّ و عمومی در مورد این مسائل اساسی نتیجه‌ای جز پریشانی فکر و نفاق ندارد.

بعضی افراد نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند که به جای وظیفه تبیین که به ولی‌امرالله تفویض گردیده است می‌بایست طریقی برای بازبینی تصمیمات بیت العدل اعظم ایجاد گردد، یا با آرای عمومی تمام بهائیان و یا توسط هیئتی از عالمان بهائی، مرجحاً آنانی که دارای مدارک دانشگاهی می‌باشند. طرح اول در تضاد کامل با بیان حضرت ولی‌امرالله است که می‌فرمایند اعضای بیت العدل اعظم "نه مسئول موکلین خویشند و نه تابع عواطف و آرای عمومی و نه حتی عقاید جمهور مؤمنین و یا منتخبین خود" بلکه "از حکم و ندای وجدان خویش تبعیت نمایند و خود را موظف دانند که با اوضاع و احوال جامعه آشنایی کامل حاصل کنند و قضایای محوله را بدون شائبه غرض غور و بررسی نمایند ولیکن اخذ تصمیم بدون قید و شرط را حقّ مسلم خود دانند. بیان مبارک 'انه یلهمهم ما یشاء' وعده قاطع حضرت بهاءالله است." در مورد طرح دوم، این به منزله غصب مقام ولی‌امرالله می‌باشد.

دانش پژوهی در امر الهی مقام والایی دارد و بیت العدل اعظم در طی امور جاری و مشاورات خود پیوسته نظریات دانشمندان و متخصصین را مورد ملاحظه قرار می‌دهند. اما همانطور که می‌دانید دانشمندان و متخصصین هیچ گونه حاکمیتی بر مؤسّسات امری ندارند. در نامه‌ای از طرف حضرت ولی‌امرالله مورخ ۱۴ مارس ۱۹۲۷ خطاب به محفل روحانی بهائیان استانبول خاطر نشان شده است که "در امم ماضیه ... همیشه نفوسی که خود را افضل از کلّ می‌دانستند سبب اختلاف گشتند ولی الحمد لله قلم اعلی این استبداد رأی افراد علما و عقلا را از

میان بردند و قول افراد را ولو اعلم علما و افضل فضلا باشد میزان نفرمودند و امور را به مراکز منصوصه و محافل مخصوصه راجع نمودند حتی هیچ محفلی را در امور کلیه عمومیّه ممالک بالاطلاق مرکز قرار ندادند بل جمیع محافل مقدسه را در ظلّ یک بیت العدل و مرکز اعظم الهی خواندند تا مرکز مرکز واحد باشد و جمیع در ظلّ محور منصوص مخصوص حکم یک نفس یابند و از انشقاق و تفرقه محفوظ مانند."

در آیام اخیر اظهار نظرهایی دالّ بر وجود دو طبقه از احبّا به عنوان "مسئولین امور اداری" و "دانش پژوهان" ابراز شده است. بیت العدل اعظم احساس می کنند که وقوف بر نادرستی چنین مفهومی حائز اهمیت است. در ماهیت نظم اداری بهائی طبقه ای از مؤمنین به عنوان "مسئولین امور اداری" وجود ندارد. افراد بهائی یا از طریق انتخاب یا انتصاب برای خدمت در مقامات اداری برگزیده می شوند؛ آنان سوابق حرفه ای مختلف دارند از جمله دانشگاهیان. به علاوه، یک جریان طبیعی برای ورود و خروج افراد به جرگه خدمات اداری وجود دارد. همان جریان در مورد اعضای مؤسسات نظم اداری که "علما" خوانده می شوند نیز صدق می کند. بدیهی است که بعضی بهائیان "دانش پژوهان" و برخی دیگر نیستند اما "دانش پژوهان" به هیچ وجه گروه متمایزی را در ساختار امر الهی تشکیل نمی دهند.

سؤال باقی مانده در باره مرجعیت وظایف و مسئولیت های مذکور برای معهد اعلی در قانون اساسی آن مرجع است. این تمهیدات عبارت از تدویناتی است بر اساس بیانات مصرّحه در نصوص مبارکه و در توقیعات حضرت ولی امرالله.

بیت العدل اعظم مطمئناً در اعتاب مقدسه دعا می نمایند که مساعی شما به احبّ کمک نماید تا بر سوء تفاهمات خود فایق آیند، دید روشنی نسبت به امر مبارک پیدا کنند و تأییدات الهی شامل حال شان گردد.

۲۰ ژوئیه ۱۹۹۷

صراحت در ابراز نظر و آرزوی صمیمانه شما برای موفقیت جامعه بهائی در غلبه بر شرایطی که به خودی خود ناسالم بوده و احتمال به وجود آمدن سوء تفاهم در بخش‌هایی از جامعه دانشگاهی را دارد، درخور تقدیر است. بیت العدل اعظم البتّه از بروز مشکلاتی در این زمینه آگاهند و این فرصت را برای آشنا ساختن شما با افکار و دیدگاه معهد اعلی مغتنم می‌شمارند. در پاسخ، پس از بررسی این نظرات، می‌توانید هر پیشنهاد مربوطی را که به عقیده شما ممکن است به کاهش تنش‌های مورد نظرتان کمک کند، ارسال نمایید.

بیت العدل اعظم معتقدند که بهتر است مشکل در بستری‌های عقلانی و روحانی که امروزه جامعه بشری را مبتلا ساخته، مطرح شود. تعلیم در دانش‌پژوهی و تجربیات شغلی شما را نسبت به مقتضیات مطالعه دین و پیش‌فرض‌های صرفاً مادی‌گرایانه در باره ماهیت انسان و فرایندهای تمدن، که لاقلاً در جهان غرب بر هر نوع فعالیت پژوهشی تحمیل شده است، هشیار نموده است. الگوی دیگری نیز طی قرن حاضر برای مطالعه و تحقیق ادیان به تدریج در فرهنگ رایج دانشگاهی مستقر شده است. این الگو اصرار می‌ورزد که درک همه پدیده‌های روحانی و اخلاقی باید با به کار بردن یک وسیله تحقیقی صورت گیرد که به منظور کاوش در باره عالم وجود — و بدون در نظر گرفتن مسائل مربوط به رابطه دائمی خداوند با مخلوق خود و مداخلت خداوند در حیات انسان و در تاریخ بشر — طرح شده است. در حالی که از دیدگاه دیانت بهائی دقیقاً همین مداخلت خداوند است که موضوع اصلی تعالیم مؤسّسین ادیان الهی است، موضوعی که به ظاهر مطلب مورد مطالعه می‌باشد.

در اثر این اصرار، افکاری که می‌بایست در حدّ نظریه‌پردازی‌های آموخته شده باقی بماند، به صورت عقایدی صلب و لایتغیر درآمده است. عدم مدارا نسبت به برداشت‌های متفاوت از واقعیت نیز به همان اندازه تأسف‌آور است و اغلب از ویژگی‌های ابراز این نوع عقاید می‌باشد. با توجه به سوابق تاریخی، پیدایش این پدیده قابل درک است. عدم تساهل و تسامح اغلب سازمان‌های دینی در گذشته، توأم با سیطره درازمدت سران و نخبگان دینی بر عرصه علوم، نتیجه‌ای جز برانگیختن واکنشی شدید و منفی نمی‌توانست داشته باشد. اما از دیدگاه دیانت بهائی تعصّب به هر شکلی که نمایان شود واپس‌گرایی محسوب شده و غیر قابل قبول است.

چنین شرایطی معمولاً درخور اظهار نظر نیست؛ تنها نمونه‌ای از مواردی نه چندان مساعد است که امر مبارک باید در آن به ادامهٔ آموزش بپردازد. تعهد به یادگیری از ابتدای امر یکی از خصوصیات ضروری حیات و معتقدات بهائی بوده و سبب می‌شود که نواقص موجود در هر یک از سنت‌های پژوهش نتواند جامعه را از احترام کاملی که سزاوار هر یک از آن سنت‌ها و یا از حدّ اکثر بهره‌گیری از این قبیل مجهودات است بازدارد.

مشکلات از آنجایی ناشی خواهد شد که سعی شود روش‌ها و نگرش‌های مادی‌گرا که مغایر با اصل ماهیت امر الهی است بر مطالعات خود جامعهٔ بهائی در آثار مبارکه‌اش تحمیل گردد. امر بهائی متعلق به هیچ یک از ما نیست بلکه به حضرت بهاءالله تعلق دارد. آن حضرت از طریق عهد و میثاق که وجه ممیزهٔ ظهور اعظم اوست در نهایت صراحت وسیله‌ای را به ارادهٔ خود جهت حفظ صحّت و صیانت پیام مقدّسش و هدایت نوع بشر به اجرای دستوراتش تجویز فرموده است. اگر فردی تعالیم بهائی را بپذیرد، او نمی‌تواند وجداناً مدّعی شود که مشغول مطالعهٔ امر بهائی است ولی در عین حال مرکزیت عهد و میثاق حضرت بهاءالله را در تمام جوانب دیانت آن حضرت نادیده گیرد.

بیت العدل اعظم معتقدند که نگرانی‌هایی که در نامهٔ خود ابراز داشته‌اید باید در بستر مطالب فوق مورد رسیدگی قرار گیرد. چه بسا بهائینی باشند که علیرغم رشتهٔ تحصیلات‌شان مسائل اساسی را هنوز به طور کامل برای خود حلّ نکرده‌اند. در چنین مواقعی فرد با این خطر احتمالی مواجه است که خود را در ورطهٔ تفاوت نظر نه تنها با مؤسّسات امری از جمله نفس بیت العدل اعظم بلکه با تبیینات روشن حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله بیابد. در این قبیل موارد، مشاورین و محافل روحانی البته تا جایی که بتوانند کمک خواهند کرد. احبّای مطلقاً مانند خود شما نیز می‌توانند به نحو قابل ملاحظه‌ای مساعدت نمایند ولی ایمان برای بهائیان یک امر شخصی و وجدانی است. اگر شخصی به این نتیجه برسد که دیگر نمی‌تواند در تعهدش به امرالله پایدار بماند، جامعهٔ بهائی به این تصمیم احترام می‌گذارد.

منظور از بیان این نکات بحث و گفتگو در بارهٔ نظریات شما نیست بلکه منظور ارائهٔ پاسخ صادقانه به مطالبی است که بیت العدل اعظم مقرر فرموده‌اند توضیحات آن معهد را در بارهٔ چند نکته که با آنچه شما ذکر کرده‌اید متفاوت است به اطلاع‌تان برسانیم. این نکات عمدتاً مربوط به رفتار گروه بسیار کوچکی از احبّای می‌شود که تمام کوشش‌های مؤسّسات اداری برای مشورت با و توسّل به ایشان را رد کرده پرخاش‌گرانه به ترویج برداشت‌های غلط خود از تعالیم الهی در بین احبّای ادامه داده‌اند. این کوشش‌ها سابقهٔ چندین ساله دارد و برای رسیدن به مقصود خود، طیف وسیعی از فعالیت‌ها و انجمن‌های بهائی و اخیراً گروه‌های اینترنتی را به کار گرفته‌اند.

چنین فعالیت‌هایی محدود به دخالت در امور اداری جامعهٔ بهائی نبوده اگرچه همانطور که مطلع هستید شامل آن نیز بوده است. مشکل بسی بزرگ‌تر، کوشش دائمی برای ایجاد شبهه در اذهان احبّای در مورد صحّت تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولیّ امرالله از آیات الهی به قصد تضعیف مرجعیت مؤسّسات امری و تحریف ماهیت اساسی پیام حضرت بهاءالله بوده است. این کمپین با اتکا بر اظهار نظرها و مداخلات ظاهراً غیر حکیمانهٔ تعداد

کمی از احباً با افکاری انعطاف‌ناپذیر، گستاخانه می‌کوشد تا از تعمیم مفاهیم و مقتضیات عهد و میثاق الهی در مذاکرات جاری ممانعت به عمل آورد.

این کوشش‌ها همراه با تلاشی عامدانه سعی دارد مؤسّسات بهائی را سرکوب‌کننده دانش‌پژوهی جلوه دهد و در گفتمان بهائی بحثی داغ در باره حقوق فردی که از جوّ سیاسی به عاریت گرفته شده آغاز کند. شما خود واقف‌اید که بهائیان نه تنها به اجرای اصل تحرّی حقیقت موظّف می‌باشند بلکه از بدو تأسیس امر مبارک به کسب علوم در تمام زمینه‌ها و تعالی در آن تشویق شده‌اند. اگر فردی صمیمانه به پیشرفت فکری جامعه بهائی علاقمند باشد، پژوهش را با محصور کردن آن در اغراض شخصی و مقاصد ایدئولوژیک مورد مصالحه قرار نخواهد داد و موجب کاهش نفوذ آن نخواهد شد.

همچنین شما این حقیقت را مورد ملاحظه دقیق قرار خواهید داد که افرادی که می‌کوشند تا این مجادلات را به راه اندازند، هرچند پرهیاهو هستند، اما به هیچ وجه نماینده افکار اکثریت دانشگاهیان و دیگر دانش‌پژوهان بهائی نیستند. برآستی، یک خصیصه تأسّف‌انگیز در مباحثات یک یا دو لیست اینترنتی که به نظریت العدل اعظم رسیده است این است که تعدادی از احبّای فرهیخته واجد شرایط که می‌توانستند بی‌نهایت مؤثر و مفید واقع شوند بالاخره مجبور به ترک مشارکت در این مباحثات گردیدند زیرا آن را صرفاً پی‌گیری سرسختانه برنامه‌هایی غرض‌آلود مشاهده کردند.

بیت العدل اعظم به شما توصیه می‌نمایند که عمیقاً تعمّق فرمایید که کسانی که این نحوه عمل را دنبال می‌کنند می‌کوشند از هر طریق ممکن اقدامات خود را تحقیقی بی‌طرفانه و خودشان را قربانیان استبداد نشان دهند. معیاری که باید راهنمای ما در ارائه ثمرات کوشش‌های دانش‌پژوهی بهائی باشد در این بیان جمال قدم به وضوح برای همه ما روشن گردیده است:

و اینکه مرقوم داشته بودید یکی از دوستان رساله‌ئی نوشته تلقاء وجه عرض شد. هذا ما نزل فی الجواب. الیوم آنچه نوشته می‌شود باید به کمال دقت ملاحظه نمود تا سبب اختلاف واقع نشود و محلّ ایراد قوم نگردد. آنچه الیوم دوستان حقّ به آن متکلمند بر مسمع اهل ارضست. در لوح حکمت این کلمه نازل انّ آذان المعرضین ممدودة الینا لیستمعوا ما یعترضون به علی الله المهیمن القیوم. این فقره خالی از اهمّیت نیست باید آنچه نوشته می‌شود از حکمت خارج نشود و در کلمات طبیعت شیر مستور باشد تا اطفال روزگار به آن تربیت شوند و به مقام بلوغ فائز گردند. از قبل ذکر نمودیم که یک کلمه بمتابۀ ربیع است عالم قلوب از او تازه و خرم شود و کلمه دیگر بمتابۀ سموم ازهار و اوراد را بسوزاند. انشاء الله مؤلّفین از دوستان حقّ باید بنویسند آنچه را که نفوس منصفه بپذیرند و نزد قوم محلّ ایراد واقع نشود.

جای تعجب نیست که این سوء استفاده از بحث اینترنتی در مورد امر بهائی و تعالیم آن برای احبایی که از آن مطلع گشتند بسیار ناراحت کننده بوده است. اینکه پاسخ، به طوری که از نامه شما استنباط می‌گردد، شامل انتقادات تند، اظهار نظرهای نامناسب و تهمت‌های غیر منصفانه بوده است، البته تأسّف آور است اما مجدداً جای تعجب نیست زیرا که ستیزه‌جویی موجب بروز نزاع و جدال می‌شود. شما باید اطمینان داشته باشید که بیت العدل اعظم اجازه نخواهند داد فضایی از عدم مدارا، صرف نظر از اینکه از چه منبعی سرچشمه بگیرد، در جامعه بهائی نصیح گیرد. به علاوه، بیت العدل اعظم همچنان به تشویق استفاده از فرصت‌های بسیار وسیعی که شبکه ارتباطی اینترنت به نحو شگفت‌انگیزی برای بحث در باره مفاهیم و آرمان‌های دیانت بهائی ارائه می‌دهد، ادامه خواهند داد.

در خاتمه، یادآوری این نکته بدون شک مفید است که بهائینی که در رشته‌های مختلف دانشگاهی تعلیم دیده‌اند گروه مجزایی در درون جامعه بهائی نیستند. در عین حالی که مؤسّسات امری به طور مداوم از مشاوره با طیف وسیعی از متخصصان بهائی بهره می‌گیرند، به وضوح هیچ گروهی از دانشگاهیان نمی‌تواند ادعا کند که سخن‌گوی همه دانش‌پژوهان بهائی است. تحصیلات دانش‌پژوهی فرد را قادر می‌سازد که کمک‌های ارزنده‌ای به امور امر مبارک ارائه دهد اما صاحبان این مدارک را از هیئت کلی مؤمنین مجزا نمی‌سازد. بیت العدل اعظم اطمینان دارند که با شکیبایی، انضباط شخصی و وحدت ایمان، دانشگاهیان بهائی قادر خواهند بود تا به ایجاد تدریجی الگوهای جامعی از پژوهشگری که متفکرین جامعه بین‌المللی به نحو فزاینده‌ای خواهان آنند کمک نمایند.

۸ فوریه ۱۹۹۸

ایمیل مورخ... شما شامل چند مطلب است. اولین آن مربوط به روش‌هایی است که برای تحقیق، درک و درج وقایع تاریخی به کار برده می‌شود و نیز در باره عناصر این روش‌ها که بیت العدل اعظم آنها را متأثر از مادی‌گرایی می‌داند. هدف پژوهش در چنین زمینه‌هایی بدون شک باید اثبات حقیقت باشد و پژوهشگران بهائی البته باید حدّ اعلاّی امانت، درستی و صداقت را ملحوظ دارند. مضافاً بیت العدل اعظم قبول می‌نمایند که بسیاری از روش‌های تحقیقی تدوین یافته‌ای که پایه‌ای منطقی و اعتباری پایدار دارند. با وجود این، معهد اعلی برخی از پیش‌فرض‌های بعضی از روش‌های متداول دانشگاهی را مورد سؤال قرار می‌دهند زیرا مشاهده می‌نمایند که تصویری تحریف شده از واقعیت را ارائه می‌دهد.

چنین به نظر می‌رسد که تعلیم بعضی از پژوهشگران در رشته‌هایی مثل دین و تاریخ موجب محدود شدن بینش‌شان شده و آنان را به این نکته بی‌تفاوت ساخته است که فرهنگ عامل تعیین‌کننده پایه‌های عناصر رویکردی است که آن را آموخته‌اند. این بی‌تفاوتی نتیجتاً سبب می‌شود که عواملی را که از نقطه نظر امر بهائی اهمیت بی‌بنا دین دارد نادیده بگیرند. در چنین رشته‌هایی، اگر شواهد ظهور الهی به طور سیستماتیک حذف شود و اگر گفتمان محدود به بینشی جبرگرا نسبت به عالم وجود گردد، کشف حقیقت غیر ممکن می‌شود.

بعضی از پیش‌گامان این مباحث در اینترنت تلویحاً بیان کرده‌اند که تنها راه وصول به درکی صحیح از وقایع تاریخی و منظور آثار مقدّسه و اسناد تاریخی امر الهی به کار بستن سخت‌گرانه روش‌هایی است که در چارچوبی مادی‌گرا به نحوی محدود تعیین شده است. این افراد تا به حدّی پیش رفته‌اند که هر شخصی را که تغییری در این روش‌ها پیشنهاد کند به سعی در پنهان کردن و نه در آشکار نمودن حقیقت متّهم می‌سازند.

بیت العدل اعظم واقفند که در یک جنبه افراطی دیگر، بهائینی هستند که تحت تأثیر آنچه آن را وفاداری به حضرت بهاء‌الله می‌دانند به قبول کورکورانه آنچه که به گمان آنان منظور نصوص مبارکه است متمسک می‌شوند. این محدودیت نشانه‌ای است از قصوری به همان نسبت جدّی در درک اهمیت بنیادی اصل بهائی تطابق ایمان و عقل. خطر چنین طرزفکری این است که درک شخصی از بعضی جوانب ظهور الهی را مافوق کلیت آن قرار

می دهد، منجر به استفاده غیر منطقی و متناقض از آثار مقدسه می گردد، و بهانه به دست کسانی می دهد که وفاداری به عهد و میثاق را به غلط "بنیادگرایی" توصیف می کنند.

جای تعجب نیست که آحاد احباً نظرات و اظهارات متفاوت و در مواردی استنباطی ناقص از تعالیم الهی داشته باشند و آنها را ابراز دارند؛ این نیست مگر شاهی بر وسعت تغییری که این ظهور الهی مقدر است در ضمیر بشریت ایجاد نماید. با گسترش گفتگوی با صبر و مدارا و با فکر باز و عاری از غرض در بین احباً که بصیرت های متفاوت نسبت به تعالیم بهائی دارند، عمیق شدن در ادراک باید حاصل گردد. اما پافشاری سرسختانه در نظرات شخصی می تواند به مشاجره کشیده شود که نه تنها برای روح معاشرت و همکاری بهائی بلکه برای تحرّی حقیقت نیز مضر می باشد.

فرای مشاجره و اختلاف، شرایطی نیز وجود دارد که در آن فردی آن چنان به دیدگاه غلط خود دل بسته است که پافشاری او بمنزله کوشش در تغییر ماهیت اساسی امر الهی محسوب می شود. اگر این گونه رفتار اجازه داده شود که بدون رسیدگی ادامه یابد می تواند موجب اختلال در جامعه بهائی گشته همانند ادیان گذشته سبب بروز فرقه های بی شمار گردد. اما عهد و میثاق حضرت بهاء الله از بروز فرقه ممانعت می کند. امر مبارک عناصر و مبانی سلوک و رفتار را تعیین می نماید و نهایتاً بر عهده بیت العدل اعظم است که به منظور صیانت امر الله و حفظ تمامیت تعالیم الهی از احباً بخواهند که به معیارهای مقرر ممتسک شوند.

بیت العدل اعظم خود را ملزم نمی دانند که یک روش علمی جدید برای دانشگاهیان بهائی که مطالعه امر الله و تعالیم و تاریخ آن را موضوع فعالیت های حرفه ای خویش قرار می دهند، تجویز نمایند بلکه بر این تمرکز نموده اند که نارسایی بعضی رویکردها از دیدگاه دیانت بهائی را به این دوستان گوش زد کنند و مؤکداً از آنان می خواهند که در تحقیقات خود مفاهیمی را که به عنوان یک بهائی پذیرفته اند به کار برند: اینکه مظهر ظهور الهی متعلق به عوالمی والاتر است و بصیرتی به مراتب فوق بصیرت هر فرد بشری دارد؛ مأموریت پیامبران ارتقای نوع بشر به سطحی جدید از دانش و رفتار است؛ ادراک او فراتر از سنن و مفاهیم رایج در اجتماعی است که در آن ظهور می نماید. چنانچه حضرت بهاء الله در کلمات مکتوبه می فرمایند:

يا ابن الجمال! وروحي و عنایتی ثمّ رحمتی و جمالی کلّ ما نزلت علیک من لسان القدرة و کتبتہ
بقلم القوّة قد نزلناه علی قدرک و لحنک لا علی شأنی و لحنی.

اگرچه مظهر ظهور برای ابلاغ آثار خود از زبان و فرهنگ کشور محلّ تولّدش استفاده می نماید اما او مقید نیست که الفاظ را با همان معانی و اشاراتی که توسط پیشینیان و یا معاصرینش به کار رفته استفاده نماید؛ او پیامش را به نوعی اعلام می نماید که مخاطبینش هم در حال حاضر و هم در قرون آینده قادر به درک آن باشند. این وظیفه پژوهشگران بهائی است که به مرور زمان روش های پژوهشی را به دقت و استادانه توضیح و تشریح نمایند که آنان را

قادر خواهد ساخت تا بر اساس این درک و فهم کارشان را انجام دهند. این وظیفه‌ای است خطیر اما نه مافوق توانایی بهائینی که هم درک عمیقی از تعالیم الهی دارند و هم در رشته‌های علمی خود متبحرند.

حال به نکات خاصی می‌پردازیم که در مرقومه مورخ ... خود مطرح کرده‌اید. همانطور که به خوبی می‌دانید این نه تنها حق بلکه مسئولیت هر فرد بهائی است که حقیقت را برای خود شخصاً جستجو نماید. این اصل یکی از ویژگی‌های ضروری بلوغ نوع انسان و جزء لاینفک تقابل اجتماعی است که حضرت بهاء الله جهانیان را به آن فرامی‌خواند. این اصل به همان اندازه به فعالیت‌های صرفاً پژوهشی مربوط می‌شود که به بقیه امور زندگی روحانی و عقلانی ارتباط دارد. هر انسانی نهایتاً در پیشگاه الهی مسئول استفاده‌ای است که از این امکانات می‌نماید؛ وجدان هرگز نباید از جانب افراد دیگر و یا مؤسسات سرکوب گردد.

با این حال وجدان یک ماهیت مطلق لایتغیر نیست. یکی از معانی ارائه شده در لغت نامه، اگرچه همه موارد استفاده واژه "وجدان" را شامل نمی‌گردد، مفهوم کلی آن را چنین بیان می‌کند "حس تشخیص صحیح و غلط در رابطه با اموری که شخص مسئول آن است؛ قوه و یا اصلی که بر کیفیت اخلاقی اعمال و نیت فرد داوری می‌کند، درست را می‌پذیرد و نادرست را رد می‌کند."

بنا بر این نحوه کارکرد وجدان بستگی به استنباط شخص از مفهوم درست و غلط دارد. وجدان یک شخص ممکن است مبتنی بر جستجوی بی‌طرفانه حقیقت و عدالت باشد در حالی که وجدان شخص دیگری ممکن است بر تمایلی نسنجیده برای عمل بر طبق معیارها و مبادی و ممنوعیت‌هایی باشد که محصول محیط اجتماعی اوست. بدین ترتیب، وجدان می‌تواند حفاظتی برای اخلاق نیک و صفات پسندیده باشد یا می‌تواند نمایانگر انبوهی از تعصباتی باشد که شخص از اجداد و یا از قواعد نارسای اجتماعی آموخته است.

فرد بهائی می‌داند که یکی از جنبه‌های رشد روحانی و عقلانی او همانا پرورش وجدان خویش در پرتو انوار ظهور الهی است، ظهوری که علاوه بر ارائه گنجینه‌هایی از اصول روحانی و اخلاقی، انسان را به "خروج العبد عن الوهم والتقلید والتفرس فی مظاهر الصنع بنظر التوحید و المشاهدة فی کلّ الامور بالبصر الحدید" هشدار می‌دهد. بنا بر این فرایند رشد و توسعه مستلزم یک بررسی روشن بینانه قلبی و عقلی از اوضاع جهان می‌باشد. فرد بهائی اذعان دارد که یک زندگی شرافت‌مندانه زندگی‌ای است مبتنی بر رعایت اصول مشخصی که ریشه در امر الهی دارد و او آن اصول را برای رفاه فرد و جامعه هر دو لازم و اساسی می‌شمرد. او واقف است که برای رعایت این اصول، مواردی هست که تسلیم داوطلبانه ندهای وجدان شخصی در مقابل رأی اکثریت از جمله فرایض وجدانی محسوب می‌گردد مانند پذیرفتن صمیمانه تصمیم اکثریت حاصله از مشورت در یک محفل روحانی.

در ایمیل مورخ ... خود در بحث راجع به حکمت اظهار داشته‌اید که شاید "دانشگهیان بهائی اغلب متوجه نشده‌اند که تا حدّ زیادی قصور در رعایت حکمت نمایانگر قصور در محبت است." بیت العدل اعظم تأیید می‌نمایند که رعایت حکمت مستلزم داشتن محبت و پرورش یک وجدان حسّاس می‌باشد. این نیز به نوبه خود نه

فقط مستلزم پای بندی به حدّ اعلاى صداقت است بلکه بذل توجه به اثرات گفتار و اعمال خویش را نیز ایجاب می نماید.

وظیفه یک فرد بهائی در پی گیری تحرّی آزادانه حقیقت باید او را به درک این حقیقت هدایت نماید که تعالیم الهی یک مجموعه کامل، ارگانیک و با انسجامی منطقی می باشد، و باید او را قادر سازد که عقاید و انگیزه های خویش را آزمایش کند، و باید به او این توانمندی را بدهد تا بداند که تمسک به عهد و میثاقی که آن را قبول نموده همانا تقلید کورکورانه نیست بلکه یک گزینشی وجدانی است که آزادانه انتخاب شده و آزادانه پیروی می شود.

حضرت عبدالبهاء در بسیاری از بیانات خود حکومت هایی را که حامی آزادی وجدان برای شهروندان خود هستند می ستایند. این بیانات چنانچه از فحوای کلام مبارک ملاحظه می گردد به آزادی در انتخاب دین اشاره می نماید. در نسخه اصل بیانی که شما به قسمتی از آن در ایمیل مورخ ... خود اشاره کرده اید، حضرت عبدالبهاء تجزیه و تحلیل زیر را از آزادی می فرمایند:

آزادی سه قسم است یک آزادی الهی است که به ذات باری مخصوص است و او است مختار مطلق. کسی او را مجبور نمی تواند نمود در هیچ شأنی از شئون. یک آزادی اروپایی ها است که انسان هر چه می خواهد می کند به شرطی که به دیگری ضرر نرساند. این حرّیت طبیعی است و اعظم درجه آن در عالم حیوان. این شأن حیوان است این طیور را ببینید به چه آزادی زندگانی می نمایند انسان هر چه بکند به قدر حیوان آزاد نمی شود بلکه نظام مانع آزادی است. اما آزادی سوم در تحت سنن و احکام الهیه است. این حرّیت عالم انسانی است که قطع علاقه قلبی از جمیع اشیا می کند از جمیع مشقّات و احزان آسوده می شود. هر قدر انسان وجدانش ترقی می کند قلبش آزادتر می شود و روحش مستبشرتر. در دین الله حرّیت افکار هست زیرا حاکم بر وجدان نیست غیر از خدا اما به درجه ای که خارج از آداب نباشد. در دین الله حرّیت اعمال نیست. از قانون الهی نمی تواند انسان تجاوز نماید ولو ضرری به غیر نرساند چه مقصود از قانون الهی تربیت غیر و خود است چه عندالله ضرر خود و غیر یکسان و هر دو مذموم است. باید در قلوب خشیه الله باشد و انسان به آنچه عندالله مذموم است مرتکب نشود. لذا حرّیت اعمالی که در قانون است در دین نیست اما حرّیت افکار باید از حدّ ادب تجاوز نکند و اعمال نیز مقرون به خشیه الله و رضای الهی باشد.

آموزش افراد بهائی در احکام الهی یکی از وظایف محافل روحانی است. حضرت ولی امرالله در توفیق مورخ ۱ مارس ۱۹۵۱ خطاب به یک محفل روحانی ملّی در بیانی به زبان انگلیسی می فرمایند:

تحکیم و تقویت حیات روحانی فرد فرد احبّاء، درک روزافزون آنان از حقایق اساسی این امر اعظم، تعلیم فرایندهای نظم اداری امر الهی و درک اصول عهد و میثاقی که شارع و مبین منصوص احکام

هر یک تأسیس فرموده‌اند باید مقصد اعلاهی هیئت امنای ملی که مسئول تهذیب اخلاق، و توسعه و تحکیم این جوامع می‌باشند گردد.

این چنین است وظیفه‌ای که به مؤسسات انتخابی امر الهی برای پیشبرد حیات روحانی، وجدانی و اخلاقی افراد احباً محوّل گردیده است. به موازات این، آیین بهائی به آزادی وجدان معتقد است که به فرد اجازه می‌دهد تا از دین انتخابی خود پیروی کند: هیچ فردی نباید مجبور به بهائی شدن گردد و یا بهائی بماند در حالی که وجداناً مایل به ترک آن باشد. و اما در مورد افکار خود بهائیان یعنی کسانی که خود تصمیم گرفته‌اند از دیانت حضرت بهاءالله پیروی نمایند، اشتغال مؤسسات این نیست که یک فرد بهائی چگونه می‌اندیشد و افکارش چیست مگر آنکه آن افکار در اعمالی ابراز گردد که مغایر اصول بنیادی و منافع حیاتی امرالله باشد.

در مورد ادعایی که داشتن این گونه تمایزها نوعی محدود ساختن آزادی کلام است باید بپذیریم که اجتماع مدنی از مدّت‌ها پیش به این نکته آگاه است که گفتار می‌تواند تبدیل به کردار شود و برای حفظ خود و شهروندان خود در برابر رفتاری که می‌تواند از لحاظ اجتماعی مخرب باشد قدم‌هایی برداشته است از جمله می‌توان به قوانین مدون برای رویارویی با فتنه‌انگیزی و ترویج نفرت اشاره کرد.

از توضیحات فوق مطمئناً برای شما روشن خواهد شد که مجموعه مقوله‌های "مسائل مربوط به بدعت عقیدتی که بنا بر این می‌بایست متوقف گردد" و "تحمیل سنت‌گرایی بر جامعه بهائی" که شما به آن اشاره می‌کنید، مفاهیمی است که اساساً از مطالعه مسیحیت گرفته شده و با همبستگی‌های جامع‌تر و پیچیده‌تر مقرر در آیین بهائی غیر قابل انطباق می‌باشد.

برای همه بهائینی که به دانش پژوهی در باره آیین بهائی اشتغال دارند حائز اهمیت است که مشکلات تئوریک را که بدون شک موجودند مورد رسیدگی قرار دهند و در عین حال اجازه ندهند که حملات و تهمت‌های مزورانه و غیر محققانه‌ای که گه‌گاه به وسیله افراد بدخواه وارد مباحثات می‌شود افکار آنان را منحرف سازد. بحث و گفتگو با اشخاصی اعم از بهائی و غیر بهائی که مسائل بغرنجی را صادقانه مطرح می‌سازند و حتی عدم موافقت شخص غیر بهائی با تعالیم امری می‌تواند مفید و روشن‌گر باشد. اما ادامه بحث با کسانی که دشمنی پایداری با دیانت بهائی دارند و در مقابل هر عقیده‌ای جز عقاید خود، مقاومت نشان می‌دهند معمولاً بی‌ثمر بوده می‌تواند برای بهائینی که در آن شرکت دارند مشقت‌بار و حتی از لحاظ روحانی فرساینده باشد.

مشکلی که موجب نگرانی بیت العدل اعظم گردید و موضوع مورد بحث در چندین مکاتبه بوده است انحراف سیستماتیک گفتمان بهائی در بعضی از گروه‌های بحث اینترنتی بود، دسیسه‌ای که برای بسیاری از شرکت‌کنندگان بهائی به نحو فزاینده‌ای آشکار گردیده و اگر به موفقیت می‌انجامد اولین قربانی آن می‌توانست نفس دانش پژوهی بهائی باشد. عاملی که موجب شد مشاجره‌ای که در طی دو دهه گذشته با تب و تاب جریان داشت شدت گرفته موجب غلیان آن در اینترنت شود مشارکت افرادی بود که اگرچه اسماً بهائی بودند ولی

برنامه‌های خود را در سر می‌پرورانند و قصدشان استفاده از دیانت بهائی برای پیشبرد این برنامه‌ها بود. به این منظور کوشیدند که ویژگی‌های اساسی امرالله را تغییر دهند. این رفتار با اقدامات و اظهارات برخی از این نفوس بعد از کناره‌گیری از جامعه بهائی به طور فزاینده‌ای تأیید شده است. این افراد کوشیدند که با استفاده از زبان، موقعیت‌ها و اعتبار فعالیت‌های پژوهشی به یک مشروع شخصی مرجعیتی جعلی اعطا کنند، مشروعی که در اصل ماهیتی عقیدتی و منشئی خودخواهانه داشت حتی اگر اهداف اولیه آنان ماهیتی آرمان‌گرا داشت، صرف نظر از اینکه مفهومش چقدر نادرست و ناشی از بی‌اطلاعی بود، عملاً مبدل به حمله‌ای علیه عهد و میثاقی گشت که حضرت بهاءالله به عنوان حصن حصینی بنا نهاده‌اند تا امر مبرمش در آن به نحوی که اراده او است تکامل یابد. به نظر می‌رسید که منظور بعضی از مسئولین این بود که با تضعیف مقام حضرت بهاءالله، همانند آسیبی که به وسیله مردمانی با تمایلات مشابه به مظاهر ظهورات قبلی وارد شده بود، و با ایجاد شبهه در مورد مرجعیت تفویض شده به حضرت عبدالبهاء، حضرت ولی‌امرالله و بیت العدل اعظم، و با ابراز تردید در باره یک‌پارچگی فرایندهای اداری بهائی، بتوانند تعدادی از پیروان بی‌اطلاع را قانع سازند که دیانت بهائی در واقع یک ظهور الهی نیست بلکه نوعی سیستم اجتماعی-سیاسی است که مورد بهره‌برداری افرادی جاه‌طلب قرار گرفته است.

آشنایی خود شما با رفتار همین اشخاص باید به شما کاملاً نشان داده باشد که این افراد با اظهارات خصوصی و علنی خود چه بی‌حرمتی و خشونت‌نوی نسبت به تعالیم حضرت بهاءالله که مدعی احترام به آنند و نیز به امر دانش‌پژوهی که ادعای خدمت به آن را دارند، روا می‌دارند. ما نمی‌توانیم روش را از منش و روحیه جدا کنیم. حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه معیار "عالم ربّانی" را چنین تعیین فرموده‌اند، "طیب حاذقند جسم معلول عالم را و تریاق فاروق اعظمند هیئت مسمومه بنی آدم را."

ولکن پروردگار عالمیان از برای هر شیء علائم و آثاری خلق فرموده و محک و امتحانی مقرر داشته. عالم ربّانی را کمالات معنویّه و ظاهریّه لازم و حسن اخلاق و نورانیت فطرت و صدق نیت و فطانت و ذکاوت و فراست و نهی و عقل و حجی و زهد و تقوای حقیقی و خشیه الله قلبی واجب. و الا شمع بی‌نور هر چند بلند و قطور باشد حکم اعجاز نخل خاویه و خشب مسنده داشته.